



## داعش خراسان و فعالیت روزافزون؛

# ۸۸۱ تن از زمان آغاز حاکمیت طالبان کشته شده‌اند



۳

## مردی در غزنی از سوی دو همسرش کشته شد و زنی در قندهار توسط شوهرش



**۸ صبح، غزنی:** منابع محلی در ولایت‌های غزنی و قندهار، وقوع دو رویداد قتل را گزارش داده‌اند که قربانیان آن یک مرد و زن هستند. در رویداد نخست روز جمعه، ۱۶ سرطان، جسد یک مرد پس از سه روز در ولسوالی قره‌باغ ولایت غزنی از داخل چاه خانه‌اش پیدا شده است. باشندگان محل می‌گویند که این فرد به نام بهادر، باشنده اصلی روستای ملاخیل بوده و توسط دو همسرش با ضربات چاقو کشته شده است.

همسرانش به قتل وی اعتراف کرده و محل جسد وی را به خانواده‌اش نشان داده‌اند. با این حال، هنوز انگیزه مشخص این رویداد روشن نیست. از سوی دیگر، مردی در قندهار همسرش را بامداد روز جمعه، ۱۶ سرطان، در ساحه مسجد سعادت از مربوطات عینو مینه شهر قندهار کشته است. انگیزه این رویداد هم مشخص نشده است. مسوولان محلی طالبان در مورد افزایش خشونت‌های خانوادگی و به‌طور مشخص در مورد این دو رویداد در غزنی و قندهار چیزی نگفته‌اند.

## گفته‌های بایدن در مورد القاعده در افغانستان ظالمانه و دور از واقعیت است

مک‌کال:

نمی‌کند یا این که طالبان به‌نوعی شریک امنیت ملی ما در منطقه شده، کاملاً از واقعیت جدا است.»

به گفته این عضو مجلس نماینده‌گان آمریکا، طبق گزارش مستقل سازمان ملل متحد طالبان ماهانه امکانات رفاهی از جمله پول را به القاعده فراهم می‌کنند و وزارت دفاع این گروه آشکارا از القاعده دست‌ورالعمل‌های آموزشی دریافت می‌کند.

به گفته وی، سازمان ملل و جنرال‌های ارشد آمریکا مرتباً توانایی‌های رو به رشد القاعده را گزارش می‌کنند که نه‌تنها توسط طالبان کنترل نمی‌شود، بلکه از طریق کمک‌های مالی و همکاری امنیتی این گروه تقویت نیز می‌شود.

این انتقاد در حالی مطرح شده که چندی پیش جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در یک نشست خبری گفت: «گفتم که از طالبان کمک می‌گیریم تا القاعده نباشد، می‌بینید که حق با من بود.» این اظهارات بایدن با استقبال از طرف طالبان همراه بود و پس از آن، این گروه خواستار تعامل مثبت با واشنگتن شد.



طالبان و القاعده تفسیر کرد و حتی ممکن است تلاشی برای سوق دادن آمریکا در مسیر به‌رسمیت شناختن طالبان به‌عنوان دولت افغانستان باشد. رئیس کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا گفته که تمام تلاشش را برای مخالفت با این موضوع [به‌رسمیت شناخته‌شدن طالبان] انجام خواهد داد.

در بیانیه آمده است: «رئیس‌جمهور بایدن ادعا می‌کند که القاعده دیگر در افغانستان فعالیت

**۸ صبح، کابل:** یک هفته پس از اظهارات بایدن در مورد سرکوب القاعده در افغانستان به کمک طالبان، کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا می‌گوید که اظهارات بایدن دور از واقعیت است. مایکل مک‌کال، رئیس این کمیته، روز پنج‌شنبه، ۱۵ سرطان، در بیانیه‌ای به گفته‌های جو بایدن واکنش نشان داده است. مک‌کال افزوده که سخنان بایدن را تنها می‌توان به‌عنوان تلاشی برای سفید کردن روابط دیرینه

## یک دختر جوان در پکتیکا خودکشی کرد

**۸ صبح، پکتیکا:** منابع محلی در ولایت پکتیکا می‌گویند که یک دختر جوان در ولسوالی سروبه این ولایت خودکشی کرد. این رویداد چاشت روز جمعه، ۱۶ سرطان، در روستای مارزگوی این ولسوالی رخ داده است.

دختر ۲۲ ساله که هویتش فاش نشده، با شلیک گلوله تفنگچه به زنده‌گی‌اش پایان داده است.

منبع افزوده که این دختر پس از مشاجره لفظی با اعضای خانواده‌اش، دست به این کار زد.

مسوولان محلی طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. آمار خودکشی و قتل ناشی از خشونت‌های خانوادگی اخیراً افزایش یافته است. در تازه‌ترین مورد یک مرد همسرش را در شهرک عینو مینه قندهار کشت.

۴ صفحه

## مسیر پیچیده افغانستان به سوی دموکراسی

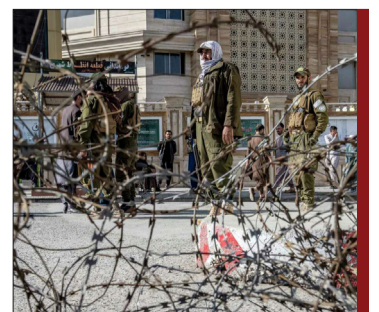
مسیر افغانستان به سوی دموکراسی با پیچیده‌گی‌ها، عقب‌نشینی‌ها و چالش‌های مداوم روبه‌رو بوده است...



۴ صفحه

## طالبان و سیاه‌چال اطلاعاتی افغانستان

از روز ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ که طالبان قدرت را در افغانستان به‌دست گرفته‌اند، تا کنون، اطلاعات بسیار محدودی از...





## آنانی که پول و تفنگ به طالبان ضد تعلیم و کتابچه به کودکان می دهند

در کشور فقیر، جنگ زده، فاقد زیربنا، گرفتار جغرافیای خشن و دور از دریا و راه‌های ترانزیتی چون افغانستان تعلیم و تحصیل بسیار سرنوشت‌ساز است. برای هیچ یکی از معضلات پرشماری که جامعه به آن‌ها گرفتار است، نمی‌توان بدون افزایش سطح سواد، ترویج تحقیق و جست‌وجو، و آموزش مهارت‌های شغلی، راه حل پایداری یافت. متأسفانه ستیز با این مهم‌ترین نیاز جامعه ما، در چهل سال گذشته نه تنها کم نشده بلکه ابعاد پیچیده‌تر یافته است. در این جنگ طولانی، تعلیم همیشه یکی از میدان‌های اصلی بوده و مکتب‌سوزی و معلم‌کشی هرگز متوقف نشده است. دردآور است که روابط سیاسی با دولت‌های پیشرفته، ما را در پیروزی علیه این عقب‌مانده‌گی یاری نرسانده است، بلکه همکاری آن دولت‌ها با نیروهای ارتجاعی به عامل مهم بازدارنده در برابر تلاش ملی ما برای نجات بدل شده است. پول و حمایت‌های سیاسی، استخباراتی و تسلیحاتی را که بازی‌گران خارجی در اختیار نیروهای ضد ترقی و تعلیم قرار داده‌اند، بارها منجر به تخریب دستاوردهای تعلیمی و تحصیلی مردم ما شده است، و هر باری که بخشی از ملت ما توانسته چند گامی به جلو بردارد، طوفان تازه‌ای از تهاجم حاصل کارشان را به باد داده است. تسلیمی کشور ما به طالبان تازه‌ترین نمونه آن است که متأسفانه در قصر سفید، از سوی رهبران ملتی که به ترقی‌های علمی شهره عالم است، چون دستاورد سیاسی تبلیغ می‌شود.

طالبان در دو سال حاکمیت، تعلیم‌زدایی را به دردناک‌ترین وجه ممکن اجرا کرده‌اند. آنان علیه تعلیم و تحصیل عصری تبلیغ می‌کنند، مکاتب را می‌بندند، دسترسی تحصیل کرده‌گان را به فرصت‌های شغلی محدود می‌سازند، و نصاب را دستکاری می‌کنند تا شوق تعلیم و امید به پیشرفت از طریق آموزش در ذهن کودکان نابود شود. در عوض آنان مدرسه‌سازی را حمایت می‌کنند و زمینه جذب کودکان را به آن مراکز بدماموزی فراهم می‌سازند تا در آینده جوانان بسیاری فاقد توانایی کار، اما پر از تکبر دانایی بار آیند و در کشیدن جامعه به‌سوی گرسنه‌گی و جهالت طالبان را یاری رسانند.

طالبان دختران را از عرصه تعلیم و تحصیل حذف کرده‌اند و آنچه تعدادی از کودکان دختر تا صنف شش می‌آموزند، جز مقداری سواد خوانش و حسرت بسیاری برای آموزش، حاصلی به‌جا نمی‌گذارد. برای پسران اگرچه دستور منع تعلیم و تحصیل صادر نشده است، اما محیط آموزشی به‌شدت تخریب گردیده و انگیزه و امید از آنان گرفته شده است. مراکز خصوصی با رکود مواجه شده، فقر و تنگ‌دستی کودکان بسیاری را مجبور به ترک تعلیم کرده، و معلمان اکنون بیشتر از گذشته تحت فشار روانی و اقتصادی هستند. در نتیجه، مراکزی به‌ظاهر فعال تعلیمی و تحصیلی نیز بازدهی ندارند. قافله آموزش رسماً متوقف شده است.

برای نجات از این وضعیت، تدابیر فردی و ان‌جی‌اوبی متفرقه جریان دارد. کسانی کشور را ترک می‌گویند تا فرزندان‌شان در گوشه دیگر جهان آموزش ببینند، عده‌ای مکاتب آنلاین راه می‌اندازند تا به گروهی از کودکان وطن یاری رسانند، و برخی نهادها و کشورها قلم، کتابچه و پول به مکاتب ارسال می‌کنند تا حمایت خود را از تعلیم نشان دهند. اما این حمایت‌ها به آب‌پاشی زمینی می‌ماند که به دلیل بسته‌شدن نهر آب، در حال خشک شدن است. نه توزیع کتابچه، نه کمک‌معاش به معلمان، نه تعمیرسازی و نه چاپ کتاب می‌تواند تهاجمی را که بر تعلیم و تحصیل جریان دارد، جبران کند. آنان که پول و تفنگ به طالبان و کتابچه به کودکان ما می‌دهند، در بستن مکاتب و ترویج تاریکی در افغانستان سهیمند. برخی از هموطنان چشم به‌راه فرمان تازه امیر طالبان و بازشدن مکاتب دختران مانده‌اند. حتی بازشدن مکاتب دختران هم نمی‌تواند حرکت قهقریایی کنونی جامعه را کند سازد. هر گونه تردید به نیت طالبان در دشمنی با تعلیم، و امید به امکان بازشدن دریچه‌های دانش در امارت آن گروه خطاست و نجات ملت را به تأخیر می‌اندازد.

## زیرآفتاب سوزان درآتش و دود تنور؛

# «برای این که دستم به‌سوی کسی دراز نشود نانوايي می‌کنم»



**نانوایی کاری نیست که  
زمینه در گذشته‌های  
دور مشغول آن بوده، بل  
هنگامی که موهای سرش  
ماش‌برنج می‌شود و پوست  
دست‌هایش را پیری و رنج  
روزگار مچاله می‌کند، رو به  
نانوایی می‌آورد. او پنج سال  
می‌شود که نانواي منطقه  
خود است.**

عایشه خراسانی

دستش به کسی دراز نباشد، نانوایی می‌کند. برای او نانوایی در عین این که منبع درآمد است، مجبوری است که از ناچاری تن به آن داده است.

نانوایی کاری نیست که زمینه در گذشته‌های دور مشغول آن بوده، بل هنگامی که موهای سرش ماش‌برنج می‌شود و پوست دست‌هایش را پیری و رنج روزگار مچاله می‌کند، رو به نانوایی می‌آورد. او پنج سال می‌شود که نانواي منطقه خود است. اولین باری که تصمیم به نانوایی گرفت، وقتی بود که شوهرش در بستر مرضی افتاد. او می‌گوید: «شوهرم پیش از مرضی‌اش هم کار نمی‌کرد، ولی گذران غریبی ما می‌شد. وقتی مرضی شد، هیچ درآمد نداشتیم و مصرف دوا و درمانش هم سر ما گران تمام می‌شد. به‌خاطر همی‌مه از زن‌ها خواستم که خمیرشان را به مه بیاورند تا با قیمت کمتر از دیگر نانواها پخته کنم. همین شد که تا حال نانواي‌شان هستم.»

در حالی که از شدت خسته‌گی و گرمی سرش را به دیوار تکیه داده است با گلولی خشکیده می‌گوید: «مه محتاج چارتا پرستامول هستم، وقتی جانم درد می‌کند، پرستامول می‌خورم، وقتی دندانم درد می‌گیرد، پرستامول را می‌دهم کرده می‌گذارم، وقتی کمرم درد می‌کند پرستامول می‌خورم.» او برای این که دست کم به‌خاطر خرید پرستامول از کسی پول طلب نکند، در این چند سال آتش تنور را تاب آورده است. زمینه سه دختر دارد. دو دخترش ازدواج کرده‌اند و یک تن آن‌ها به‌تازه‌گی نامزد شده است. داماد بزرگ‌ترش، خانه داماد است. زمینه می‌گوید: «وقتی شوهرم فوت کرد، تنها بودیم. من مانده بودم با دو تا دختر جوان، تک و تنها. هیچ شیی نبود که در منطقه ما جنگ نشود، می‌ترسیدم. خواب آرام نداشتیم. می‌گفتم کاش دخترانم خانه بخت می‌رفتند و گوش و دلم آرام می‌بود.» زمینه از ترس این که مبادا مردم سر دخترانش حرف ناحقی بزنند و یا تهمت ببندند و از ترس این که مبادا جنگ و جنگ‌آوران، پشت

در خانه‌اش بیایند و او با دو دخترش تنها در خانه باشد، از داماد بزرگ‌ترش می‌خواهد که به خانه‌اش بیاید و با آنان زنده‌گی کند. دامادش هم با اصرار خشو و راضی ساختن خانواده‌اش قبول می‌کند. زمینه می‌گوید: «از هر چیزی کرده بیشتر از گپ مردم می‌ترسیدم که به دخترهایم و به خودم چیزی نگویند و مه زبان کوتاه باشم. دهن مردم را کسی بسته نمی‌تواند. از دور دور به گوشم می‌رسید که می‌گویند، زن پیر و دخترهای جوانش تنها هستند. همین گپ‌ها خواب را از چشمم گرفته بود تا این که دامادم به خانه آمد و گوشم آرام شد.»

زمینه با حسرت از این که پسری ندارد، یاد می‌کند؛ اما شکر فرزندان دخترش را کشیده می‌گوید: «اولاد صالح باشه، هیچ‌وقت دلم به این درد نکرده که بچه نداشتیم. هر وقت که کسی می‌گه کاشکی یکی از دخترانت پسر می‌بود، عصبانی می‌شوم از حرفش. مه دلم به دخترهایم خوش است.» او در همین سن و با وجود خمیده‌گی کمرش برای خرج و درآمد خانواده‌اش نانوایی می‌کند. دامادش کارگر روزمزد است، هر روز، صبح وقت با گرفتن کراچی‌اش به امید این که کاری برایش پیدا شود، از خانه بیرون می‌شود. زمینه می‌گوید: «فقط به همی خدا را شکر می‌کنم که به دست‌وپای خودم هستم و دستم به پیش کسی دراز نیست.»

اقتصاد خانواده‌اش در حد بخورونمیر است و گاهی هم همسایه‌ها برایش کمک می‌کنند. در مورد درآمد و خرج و مصرف زنده‌گی، زمینه با ناراضی‌تی سرش را تکان داده جواب می‌دهد: «هی بچم، ای پیسه هیچی نمی‌شود. خرج کلان خانه ره پوره نمی‌کند. زمستان‌ها خوب است، مشتری زیاد می‌باشد، اما در این روزها به قدر خمیر کم می‌آوردند که تا ساعت هشت و نیم خلاص می‌کنم نان پختن را.» با این که درآمد کار نانوایی ناچیز است و خرج و مصرف زنده‌گی زمینه را پوره نمی‌سازد؛ اما او باز هم به گفته خودش «برای پیدا کردن پیسه پرستامول» هم که شده، نان می‌پزد.

## گزارشگران بدون مرز: اکنون زمان آزادی مرتضا بهبودی است

با طالبان برای آزادی بهبودی باز نگه می‌دارد و اکنون زمان آزادی مرتضا است. در مراسم دادخواهی برای آزادی این خبرنگار آرل ویل، شهردار مرکز پاریس، ژان لوک رومرو میشل، معاون شهردار پاریس، الکساندرا مستوایا، همسر بهبودی و کریستف دلور، دبیرکل گزارشگران بدون مرز، حضور داشته‌اند.

مرتضا بهبودی لحظه‌شماری می‌شود، خواستار آزادی فوری وی شده است. در بیانیه این نهاد آمده است: «این سالگرد غم‌انگیزی است که امروز شاهد آن هستیم، هر دقیقه‌ای که این خبرنگار در سلول زندان می‌گذراند، یک دقیقه بیش از حد است.» آراس‌اف تأکید کرده که کانال‌های گفت‌وگو را

۸ صبح، کابل: شش ماه پس از بازداشت مرتضا بهبودی، خبرنگار افغان - فرانسوی از سوی طالبان، اکنون گزارشگران بدون مرز (RSF) می‌گویند که زمان آزادی وی فرارسیده است. این نهاد خبرنگاری روز پنج‌شنبه، ۱۵ سرطان، با رونمایی از لوحه الکترونیک در مقابل تالار پاریس سنتر که در آن مدت زمان بازداشت

# تن از زمان آغاز حاکمیت طالبان کشته شده‌اند



صبح، کابل

بودند و نهادهای رسمی که پیش از این آمار تلفات را منتشر می‌کردند، سانسور شدند. با این حال، محمد محقق، از رهبران سیاسی پیشین، گفت که در آن حمله نزدیک به ۱۳۰ دانش‌آموز کشته شدند.



پس از آن حمله، روز پنج‌شنبه، ۲۱ اپریل، خبرهایی در مورد وقوع دو انفجار در یک مسجد به نام سه‌دکان مربوط به شیعیان در شهر مزار شریف، مرکز ولایت بلخ و مسجد سر دوره در شهر کندز نشر شد. در حمله اول هنگام برگزاری نماز جماعت در مسجد مربوط به شیعیان، منابع تأیید کردند که دست‌کم ۵۰ تن کشته و بیش از ۱۰۰ تن دیگر زخمی شدند. به همین ترتیب در حمله دومی دست‌کم چهار تن کشته و هشت تن دیگر زخمی شدند. رویداد دومی ناشی از انفجار ماین جاسازی شده در یک ترمیمگاه وسایط نقلیه طالبان بود. مسوولیت حملات را داعش خراسان برعهده گرفت. طالبان فردای آن روز اعلام کردند که عبدالحمید سنگریا، والی نام‌نهاد داعش برای بلخ که طراح اصلی حمله خونین انفجار بر مسجد سه‌دکان بوده را از ولسوالی چهاربولک بازداشت کرده‌اند.

همچنان گروه داعش روز جمعه، ۲۲ اپریل، حمله انتحاری دیگر بر خانقاه مولوی سکندر در منطقه چنار سیدجلال ولسوالی امام‌صاحب کندز انجام داد. در آن حمله که در میان حلقه ذکر پیروان اهل طریقت رخ داد، براساس اطلاعات منابع دست‌کم ۴۰ تن، به شمول کودکان کشته و بیش از ۵۰ تن زخمی شدند. در یک رویداد دیگر روز چهارشنبه، ۲۷ اپریل، پنج سرنشین یک موتر در مسیر بلخ-دره‌صوف کشته شدند. به همین ترتیب، روز بعد، گزارشی از دو انفجار پیهم بر موترهای مسافربری در شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ، به نشر رسید. انفجار نخست در نزدیکی روضه سخی بر یک موتر نوع تونس و انفجار دومی در ساحه سجادیه اول از مربوطات حوزه دهم شهر مزارشریف بر یک موتر فلان کوچ انجام شد و در آن ۱۱ تن کشته و ۱۳ تن دیگر زخمی شدند. مسافران عمدتاً هزاره و شیعه بودند.

عصر روز جمعه، ۲۹ اپریل، انفجار دوم بر خانقاه موسوم به «خلیفه صاحب» در سهرای علاوالدین، از مربوطات حوزه ششم امنیتی شهر کابل، رخ داد. گواهان رویداد کشته شدن ۵۰ تن و زخمی شدن حدود ۷۰ تن که همه پیروان یک مکتب طریقت بودند را تأیید کردند. طالبان اما گفتند که در آن رویداد ۱۱ تن کشته و ۲۰ زخمی شدند.



به همین ترتیب، داعش به حملات داخلی اکتفا نکرد و بار دیگر دومین حمله بیرون مرزی خود را در ۱۱ می ثبت کرد. سایت انترنتی «اعماق» داعش مدعی شد که این گروه چندین حمله موشکی بر خاک تاجیکستان انجام داده است. این حملات از ساحه‌ای در ولسوالی خواجه‌غار تخر انجام شد و سپس مرکز رسانه‌ای کمیته دولتی امنیت ملی تاجیکستان با تأیید اصابت چهار موشک دست‌ساز ام-۱ به خاک این کشور، گفت که موشک‌ها به‌صورت تصادفی و در پی درگیری میان داعش و طالبان شلیک شده است.

در ادامه گروه داعش در فاصله زمانی ۱۸ روز با رویداد قندهار، شفاخانه سردار محمدداوود خان در کابل را نیز مورد حمله قرار داد. مهاجمان مسلح داعش که در ادامه تعدادشان پنج تن اعلام شد، روز سه‌شنبه، ۲ نوامبر، بر این شفاخانه هجوم بردند و پس از دو حمله انتحاری در محوطه شفاخانه، با جنگ‌جویان طالبان درگیر شدند. براساس گزارش رویترز، دست‌کم ۱۵ تن، به شمول مولوی حمدالله مخلص، فرمانده قول‌اردوی کابل طالبان، در آن کشته و ۲۳ طالب زخمی شدند. همچنان در آن سال گروه داعش مسوولیت دو انفجار ۱۷ نوامبر در ایستگاه نقاش از مربوطات حوزه سیزدهم شهر کابل که آمار دقیق آن نشر نشد و سه انفجار ۱۰ دسامبر ۲۰۲۱ در حوزه‌های سوم و ششم شهر کابل را که طالبان آمار تلفات آن‌ها را دو کشته و چهار تن اعلام کردند، برعهده گرفت.

## ۲۰۲۲ میلادی و حمله بر آسیای مرکزی

با شروع سال ۲۰۲۲، حدود ۳۴ حمله در کشور انجام شد که شماری از آن‌ها یا متناسب به گروه داعش شد یا این گروه مسوولیت آن را برعهده گرفت. براساس آمارها، ۱۰ حمله در کابل، پنج حمله در هرات، چهار حمله در بلخ، سه حمله در کندز و یک‌یک حمله در ولایت‌های فراه، بدخشان، کونر و زابل رخ داد. از میان این حملات تنها ۱۰ حمله بر اهداف نظامی طالبان در ولایات هرات، بدخشان، زابل، فراه، کندز و کونر بود و باقی همه بر اهداف غیرنظامی صورت گرفت. طی حملات داعش در افغانستان در سال ۲۰۲۲، ۴۳۲ تن به شمول ۴۱ طالب کشته و ۷۴۷ تن به شمول ۵۸ طالب دیگر زخمی شدند.

داعش در ۲۲ جنوری بر منطقه هزاره/شیعه‌نشین حاجی عباس در غرب هرات حمله کرد که در آن هفت تن کشته و ۱۰ دیگر زخمی شدند. بیشتر قربانیان رویداد، زن و کودک بودند. به این ترتیب، سال ۲۰۲۰ میلادی با حمله بر اهل تشیع آغاز شد. همچنان در ادامه ماه فبروری، سازمان ملل با نشر اسنادی گفت که داعش در افغانستان چهار هزار جنگ‌جو دارد و بیشترشان با آزادی زندانیان در پی تسلط طالبان، به این گروه پیوسته‌اند. جنرال کنت مکزی، رییس ستاد فرماندهی مرکزی ارتش وقت ایالات متحده آمریکا، نیز در ۱۴ مارچ به کمیته نیروهای مسلح سنای این کشور درباره ازسزگیری فعالیت گروه داعش در تابستان سال آینده در افغانستان هشدار داد.

حملات کوچک‌تر اما در ماه‌های اول این سال میلادی ادامه پیدا کرد. منابع محلی در ارغنداب قندهار جمعه‌شب، ۱۸ مارچ، به روزنامه ۸ صبح گفتند که در حمله داعش بر یک پاسگاه طالبان در ساحه سرخ‌سنگ روستای تری دست‌کم چهار جنگ‌جوی طالبان کشته و یک تن دیگر زخمی شده است. همچنان منابع محلی در فراه گفتند که چهارشنبه‌شب، ۳۰ مارچ، در نتیجه حمله افراد وابسته به گروه داعش بر خانه غیاث جیجه، یک فرمانده محلی طالبان در ولسوالی خاک‌سفید این ولایت، چندین تن از محافظان این فرمانده کشته شدند.

حوالی ساعت ۶:۰۰ شام روز جمعه، ۱ اپریل، نیز دو انفجار در شهرک جبریل ناحیه نهم شهر هرات رخ داد که براساس آمار منابع، از آن حملات دست‌کم پنج کشته و ۱۳ زخمی به شفاخانه منتقل شدند. انفجارها هنگامی رخ داد که باشندگان این منطقه هزاره‌نشین برای تفریح در داخل یک پارک مربوط شهرک جبریل تجمع کرده بودند. همچنان در یک اقدام، داعش خراسان برای نخستین بار در ۱۸ اپریل ۱۰ موشک ۱۰۷ ملی‌متری را به خاک اوزبیکستان و قسمت‌هایی از ترمذ شلیک کرد. با این حال، رقم تلفات نشر نشد و دولت اوزبیکستان نیز این حملات را تأیید نکرد.

در ادامه حمله بزرگ روز سه‌شنبه، ۱۹ اپریل، بر مکتب عبدالرحیم شهید و آموزشگاه ممتاز، در ساحه تانک تیل دشت برچی در حوزه سیزدهم امنیتی کابل به گروه داعش نسبت داده شد. در آن انفجارها دست‌کم ۳۰ تن کشته و بیش از ۵۰ تن دیگر زخمی شدند. قربانیان بیشتر دانش‌آموزان مکتب بودند. گفتنی است که طالبان در زمینه نشر اطلاعات دقیق از آمار تلفات آن انفجارهای خونین، دست خبرنگاران را بسته

با سقوط کابل به دست طالبان در اگست ۲۰۲۱، حمله انتحاری در درب میدان هوایی کابل رخ داد که مسوولیت آن را داعش برعهده گرفت و فرد مهاجم را عبدالرحمان لوگری اعلام کرد. در آن رویداد ۱۸۷ غیرنظامی و ۱۳ سرباز امریکایی کشته و نزدیک به ۳۰۰ غیرنظامی دیگر زخمی شدند.

طالبان تا دیرزمانی در نشست‌های شان حضور شاخه داعش خراسان در کشور را انکار می‌کردند تا این که از ۱۸ سپتامبر تا ۲۲ سپتامبر آن سال، پنج حمله پیهم بر موترهای نظامی طالبان در ننگرهار انجام شد که در مجموع شش تن کشته و ۲۰ تن دیگر که بیشترشان نیروهای طالبان بودند، زخمی شدند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در یک نشست خبری گفت که حملات ننگرهار آخرین حملات داعش در افغانستان خواهد بود، اما دقیق در ۲۲ آن ماه موترهای نظامی لوای سرحدی طالبان در جلال‌آباد آماج حمله قرار گرفتند. همچنان در ۳ اکتوبر بر مسجد عیدگاه شهر کابل حمله انتحاری شد که در آن دست‌کم هشت تن کشته و ۲۰ تن دیگر زخمی شدند. انفجار در مراسم تشییع جنازه مادر ذبیح‌الله مجاهد انجام شد. سپس گروه طالبان در ۵ اکتوبر عملیات شبانه را در ولسوالی پغمان کابل انجام داد که در آن چهار تن را به اتهام همکاری با گروه داعش بازداشت کرد. در آن عملیات بر یک منزل مسکونی، هشت عضو یک خانواده نیز کشته شدند. به این ترتیب طالبان از مرحله انکار داعش گذشتند و به انجام عملیات علیه این گروه روی آوردند.

نخستین حمله داعش بر شیعیان/هزاره‌ها پس از تسلط طالبان، روز جمعه، ۸ اکتوبر، در مسجد گذر سیدآباد ثبت شد. این گروه عبادتگاه اهل تشیع در بندر خان‌آباد ولایت کندز را هنگام نماز جماعت هدف حمله انتحاری قرار داد که براساس آمار داکتران بدون مرز، ۵۰ تن در آن کشته و بیش از ۱۰۰ تن دیگر زخمی شدند. یک هفته بعد از حمله کندز، روز جمعه، ۱۵ اکتوبر، قندهار نیز شاهد دو انفجار مرگ‌بار بود. این بار نیز هدف نمازگزاران شیعه بودند. در پی حمله بر امام‌بارگاه فاطمیه در ناحیه اول شهر قندهار، کشته شدن ۶۸ نمازگزار و زخمی شدن ۶۰ تن دیگر تأیید شد. طالبان حمله بر این مکان را «جنایت بزرگ» خوانده و آن را نکوهش کردند. داعش انس خراسانی و ابوعلی البلوشی را به‌عنوان مهاجمان این حمله معرفی کرد.



با تسلط دوباره طالبان، گمانه‌زنی‌ها در مورد مبدل شدن افغانستان به مرکز تروریسم بین‌المللی شکل گرفت. در این میان، داعش از نام‌های آشناست که در دو سال اخیر همواره سر زبان‌ها بوده و نگرانی‌ها از قدرت‌گیری‌اش افزایش یافته است. این گروه تا حال حملاتی مرگ‌بار را بر شهرهای مختلف انجام داده است. براساس ارزیابی روزنامه ۸ صبح، در دو سال اخیر به‌طور مجموعی ۸۸۱ تن که بیشترشان غیرنظامی بوده‌اند، در حملات داعش کشته و یک هزار و ۴۹۲ تن دیگر زخمی شده‌اند. شاخه داعش خراسان از زمان آغاز حاکمیت دوباره طالبان مسوولیت دست‌کم ۵۷ حمله را برعهده گرفته است. در این حملات، آموزشگاه‌ها، مساجد، تجمع‌ها، مکان‌های دیپلماتیک، شهروندان خارجی و مواضع طالبان در کابل، بلخ، هرات، کندز، ننگرهار، کونر، فراه، سمنگان و بدخشان هدف قرار گرفته است. همزمان با آن، نگرانی‌ها و هشدارهای فراوان از افزایش این حملات وجود دارد، به‌ویژه این که داعش از تمایلش به حملات بیرون‌مرزی سخن گفته است. همچنان براساس یافته‌ها، بیشتر جنگ‌جویان ناراضی از عمل کرد طالبان، از جمله انصارالله که شمارشان به حدود یک هزار تن می‌رسد، به‌تازگی وارد تشکیل داعش خراسان شده‌اند. با این حال، طالبان که اکنون از مرحله انکار داعش گذشته‌اند، داعش را ناتوان می‌خوانند و باور دارند که کشورهایی برای این گروه تبلیغات می‌کنند.

## ۲۰۲۱ میلادی؛ برگشت طالبان و آغاز دور تازه حملات داعش

ارزیابی روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که پس از برگشت طالبان به قدرت در اگست ۲۰۲۱، داعش تا پایان همان سال دست‌کم ۱۵ حمله را در ولایت‌های کابل، ننگرهار، کندز و قندهار انجام داد. برینباد آمارهای جمع‌آوری شده، در آن حملات ۳۸۱ تن، به شمول نیروهای طالبان و غیرنظامیان عمدتاً اهل تشیع/هزاره کشته و ۵۲۷ تن دیگر زخمی شدند. از میان ۱۵ حمله انجام‌شده، دست‌کم هفت حمله آن بر اهداف مربوط به طالبان انجام شد. از جمله



# طالبان و سپاه چال اطلاعاتی افغانستان



علی سجاد مولایی

از روز ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ که طالبان قدرت را در افغانستان به دست گرفته‌اند، تا کنون، اطلاعات بسیار محدودی از افغانستان به بیرون درز می‌کند. طالبان با ممنوع کردن فعالیت رسانه‌های مستقل و نهادهای تحقیقاتی عملاً افغانستان را به یک سپاه چال اطلاعاتی و معلوماتی بدل کرده‌اند که هیچ کسی اطلاع دقیقی ندارد و نمی‌داند که در افغانستان چه می‌گذرد. نهادهای مختلف گزارش‌های ضدونقیض در مورد افغانستان نشر می‌کنند که همخوانی و سنخیت چندانی با وضعیت حقیقی افغانستان ندارد. به‌طور نمونه، نهاد تحقیقاتی آلسیس که مقر آن در بریتانیاست، با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای ادعا کرده که کشت کوکنار در هلمند کاهش بی‌سابقه یافته است. ضعف این گزارش در این است که نهاد یادشده تنها توجه‌اش را به هلمند مبدول داشته است. منابع در غرب افغانستان می‌گویند که کشت کوکنار در ولایت فراه نسبت به گذشته بیشتر شده است. این‌جاست که طالبان از سپاه چال اطلاعاتی‌ای که ایجاد کرده‌اند سود می‌برند. هیچ نهاد دیگر وجود ندارد که این گزارش را راستی‌آزمایی کند و یا به ولایت‌های دیگر سفر کند تا ببیند که آیا چنین اتفاق در سایر ولایت‌ها هم رخ داده است یا خیر؟ یا هم چند روز قبل یک صفحه توییتری که آمار و ارقام آرایه می‌کند، ادعا کرده بود که نرخ تورم در افغانستان منفی است. این ادعا انتقادات فراوان در پی داشت. چون این ادعا هیچ سنخیتی با واقعیت میدانی افغانستان نداشت و ندارد. هیچ نوع گزارش و تحقیقات مستقل در مورد وضعیت اقتصادی افغانستان صورت نگرفته است. سازمان ملل بارها از وقوع فاجعه انسانی هشدار داده و وضعیت اقتصادی افغانستان را نگران‌کننده خوانده است. این دو مورد نشان‌دهنده خلاهای بزرگ اطلاعاتی در افغانستان است. طالبان درهای اطلاعاتی افغانستان به روی همه‌گان را بسته‌اند و فقط به نهادها و افرادی اجازه ورود می‌دهند که در پی سفیدنمایی چهره این گروه هستند.

جو بایدن، رییس جمهور ایالات متحده آمریکا، اخیراً در یک بیانیه جنجالی و بحث‌برانگیز گفت که طالبان به

**طالبان همواره تهدید داعش را کتمان کرده‌اند و آن را پروپاگندای رسانه‌های غربی دانسته‌اند؛ اما در حقیقت داعش در دو سال گذشته توانسته است افراد کلیدی و مهم طالبان را هدف قرار دهد.**

است. شاخه خراسان دولت اسلامی در دو سال گذشته عملیات‌های مرگباری را علیه طالبان و افراد ملکی طراحی کرده است. این گروه در حال حاضر آجندای منطقه‌ای دارد و تلاش می‌کند تا نفوذ خودش را در آسیای مرکزی گسترش دهد. این گروه قصد دارد شاخه آسیای مرکزی دولت اسلامی را ایجاد کند. در حال حاضر داعش جدی‌ترین تهدید برای امنیت منطقه‌ای است. البته حکومت طالبان با روابط پیچیده‌ای که با سایر گروه‌های بنیادگرا در افغانستان برقرار کرده است، خود یک تهدید جدی به حساب می‌آید. افغانستان به لطف حضور گروه طالبان اکنون به مرکز گروه‌های تروریستی فراملی بدل شده است.

طالبان همواره تهدید داعش را کتمان کرده‌اند و آن را پروپاگندای رسانه‌های غربی دانسته‌اند؛ اما در حقیقت داعش در دو سال گذشته توانسته است افراد کلیدی و مهم طالبان را هدف قرار دهد. حمله بر شفاخانه چهارصد بستر و ترور حمدالله مخلص، ترور داوود مزمل والی بلخ، ترور مولوی عبدالحق قوماندان امنیه بدخشان، مولوی نثاراحمد معاون والی بدخشان، ترور مولوی صفی‌الله صمیم، ترور مولوی عبدالرحیم حقانی و مولوی مجیب‌الرحمان انصاری دال بر این موضوع است. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که داعش از کمیت حملات خود کاسته و به کیفیت آن افزوده است. حمله بر سفارت‌خانه‌های روسیه و پاکستان نشان‌دهنده این تاکتیک جدید داعش است.

از جانب دیگر، اطلاعات امریکایی‌ها و هم ارزی‌های سازمان ملل می‌توانند حاوی مقداری حقیقت باشند، اما حقایق واقعی روی زمین ناشناخته باقی می‌مانند، مگر این که تلاش‌های مشخصی برای پایان دادن به خلای اطلاعاتی انجام شود. تکیه بر اطلاعات سیستمی ممکن است برای انجام حملات هدفمند علیه اهداف خاص تروریستی موثر باشد، اما برای جلوگیری از ظرفیت‌سازی سیستماتیک توسط گروه‌های تروریستی مانند القاعده و داعش کافی نیست. برای مدت طولانی، طالبان و احتمالاً القاعده ممکن است از سپاه چال اطلاعاتی در افغانستان سود برده باشند. زمان آن فرا رسیده است که تحقیقات جدی و میدانی در مورد تهدیدهای ناشی از رژیم طالبان بر امنیت منطقه‌ای و جهانی صورت بگیرد و به این سپاه چال اطلاعاتی پایان داده شود.

مستقر در افغانستان را بین ۳۰ تا ۶۰ تن در ولایات کابل، قندهار، هلمند و کنر ارزیابی می‌کند و تخمین می‌زند که القاعده حدود ۴۰۰ جنگ‌جو در افغانستان دارد که بیشتر آن‌ها در پنج کمپ آموزشی جدید در بادغیس، هلمند، ننگرهار، نورستان و زابل و خانه‌های امن در فراه، هلمند، هرات و کابل هستند. این سازمان همچنین ارزیابی می‌کند که القاعده ممکن است در حال حاضر ضعیف باشد، اما در واقع از افغانستان به‌عنوان یک مرکز ایدئولوژیک و لجستیکی برای بسیج و استخدام جنگ‌جویان جدید استفاده می‌کند و در عین حال، به‌طور مخفیانه توانایی عملیات خارجی خود را بازسازی می‌کند.

این دو گزارش به‌خوبی نشان می‌دهد که ضعف اطلاعاتی عمیق در افغانستان وجود دارد و طالبان به انواع مختلف از آن بهره می‌برند. در دو سال گذشته تمام توجه ایالات متحده بر ارزیابی القاعده متمرکز بوده است. اما در خفا گروه دیگر در افغانستان سر بلند کرده که امنیت منطقه‌ای را به شدت تحت تاثیر قرار داده

آن‌ها [ایالات متحده] در امر مبارزه با تروریسم کمک کرده‌اند. او گفت که القاعده دیگر در افغانستان حضور جدی ندارد و تهدیدی از جانب این شبکه متوجه ایالات متحده نیست. بایدن به‌صورت غیرمستقیم خاطر نشان کرده است که طالبان با آن‌ها در امر مبارزه علیه تروریسم هم‌نوا و همکار هستند. طالبان نیز از این سخنان بایدن استقبال کردند. این‌جا بازهم خلای اطلاعاتی و یا همان سپاه چال اطلاعاتی به نفع طالبان تمام شده است. سخنان بایدن براساس اطلاعات استخباراتی بود که چندی پیش نشر شد. در آن ارزیابی اطلاعاتی آمده است که القاعده به‌صورت بی‌پیشینه ضعیف شده و تلاشی برای انسجام و قدرت‌گیری دوباره نکرده است. پس با این حساب، تهدیدی از سوی القاعده متوجه ایالات متحده نیست. اما تیم ویژه تحلیل و ارزیابی سازمان ملل می‌گوید که طالبان و القاعده رابطه استراتژیک‌شان را حفظ کرده‌اند و این گروه در ولایات مختلف افغانستان از جمله قندهار، کابل، هلمند و کنر حضور دارد. این گزارش تعداد اعضای اصلی القاعده

## مسیر پیچیده افغانستان به سوی دموکراسی

مصطفی آرین



این نوشته ترجمه بخشی از مجموعه‌ای است که برای کنفرانس جهانی سالزبورگ با موضوع «دموکراسی در خط مقدم» نوشته شده که چالش‌ها و عقب‌گردهای افغانستان را به سمت دموکراسی بررسی می‌کند. مسیر افغانستان به سوی دموکراسی با پیچیده‌گی‌ها، عقب‌نشینی‌ها و چالش‌های مداوم روبه‌رو بوده است. وضعیت کنونی و کنترل افغانستان توسط طالبان، چالش حیاتی را در برابر دموکراسی در کشور به‌وجود آورده است. تمرکز این نوشته مختصر بر ماهیت چندوجهی مسیر دموکراسی در افغانستان، به‌ویژه با توجه به محدودیت‌های طالبان بر حقوق زنان، آموزش و اهداف گسترده‌تر آزادی و همه‌شمولیت است.

در حال حاضر، خط مقدم دموکراسی در افغانستان با مبارزه برای حقوق بشر، آزادی و همه‌شمولیت تعریف می‌شود. تحمیل اقدامات سخت و محدودیت‌ها توسط طالبان، به‌ویژه محدودیت حقوق زنان و ممنوعیت حق تحصیل زنان و دختران، نقض آشکار حقوق بشر است. این وضعیت، موانع اساسی در راه دستیابی به یک جامعه دموکراتیک و فراگیر به‌وجود آورده است.

سیاست‌های واپس‌گرایانه طالبان، پیشرفت‌های حاصل شده در دو دهه گذشته در زمینه ارتقای حقوق زنان و برابری جنسیتی را تضعیف و یا حتی از بین برده است. خطوط مقدم دموکراسی، مبارزه در برابر این سیاست‌ها را در بر می‌گیرد تا هر شهروند،

**سیاست‌های واپس‌گرایانه طالبان، پیشرفت‌های حاصل شده در دو دهه گذشته در زمینه ارتقای حقوق زنان و برابری جنسیتی را تضعیف و یا حتی از بین برده است. خطوط مقدم دموکراسی، مبارزه در برابر این سیاست‌ها را در بر می‌گیرد تا هر شهروند، بدون در نظر داشت جنسیت، قومیت و زبان بتواند در تعیین آینده کشور مشارکت فعالانه داشته باشد.**

وضعیت جهان آشنایی دارد، متعهد به ارزش‌های دموکراتیک از جمله حقوق بشر و آزادی بیان است. نسل نو کشور در خط مقدم تلاش‌ها برای دفاع از حقوق بشر، آزادی‌های مدنی و تشکیل نظام فراگیر قرار دارد. این نسل یک نیروی محرکه برای ادامه مبارزه برای دموکراسی است و عزم و استقامت آن در شکل‌گیری آینده افغانستان موثر خواهد بود. دموکراسی در خط مقدم به معنای دفاع از اصول حقوق بشر، آزادی‌ها و همه‌شمولیت، حتی در مقابله با نامالیامات است. این به معنای دفاع از حقوق همه مردان و زنان و تضمین مشارکت فعال آن‌ها در جامعه است.

مسیر پیچیده افغانستان به سوی آزادی و همه‌شمولیت مستلزم تعهد دوام‌دار به اصول دموکراتیک، مشارکت فعال در خط مقدم دموکراسی، تلاش‌های جمعی به‌خاطر مقابله با چالش‌ها و تحقق آرمان‌های مردم افغانستان برای ایجاد یک جامعه دموکراتیک و فراگیر است که در آن همه شهروندان حقوق مساوی و نقش تعیین‌کننده داشته باشند.

به‌معنای فراهم کردن فرصت‌های مساوی برای همه شهروندان افغانستان است تا در جامعه‌ای که در آن هر صدایی شنیده و مورد توجه قرار گیرد، فعالیت داشته باشند.

با توجه به وضعیت کنونی در افغانستان و دیدگاه طالبان که در تضاد با اصول دموکراسی است، آینده دموکراسی در افغانستان با چالش‌های اساسی مواجه شده است. در حالی که آینده دموکراسی در افغانستان در وضعیت غیرقابل پیش‌بینی قرار دارد، حفظ امید و تلاش فعالانه برای آینده‌ای که در آن دموکراسی و حقوق بشر حاکم باشد، بسیار مهم است. این امر مستلزم مشارکت در گفت‌وگو، استفاده از همه ابزارهای موجود برای اعمال فشار بر طالبان برای احترام به تعهدات حقوق بشری، و حمایت از آزادی و همه‌شمولیت در تمام عرصه‌ها در کشور است.

نسل جدید افغانستان که در دو دهه گذشته رشد و ظهور کرده است، امید بزرگ برای دموکراسی در کشور است. این نسل که با تحصیل، فناوری و

بدون در نظر داشت جنسیت، قومیت و زبان بتواند در تعیین آینده کشور مشارکت فعالانه داشته باشد. در طول ۲۰ سال گذشته، رشد آزادی بیان و آزادی‌های مدنی، جامعه مدنی فعال را به‌وجود آورده بود که نقش اساسی در گفتمان باز و صلح‌آمیز میان شهروندان افغانستان داشته و مقام‌های دولت را پاسخ‌گو ساخته بود. این دستاوردها، اگرچه تحت حاکمیت طالبان از بین رفته و یا با چالش‌های جدی روبه‌رو گردیده، اما نمونه‌ای از پیشرفت افغانستان در مسیر پیچیده خود به سوی دموکراسی است.

در شرایط کنونی افغانستان، دموکراسی در خط مقدم مستلزم مخالفت با سیاست‌های سرکوب‌گرایانه طالبان، از جمله ممنوعیت حقوق زنان، تحصیل و آزادی‌های فردی است. این به معنای بسیج حمایت و منابع ملی و بین‌المللی برای تقویت فعالان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر که برای حفظ دستاوردهای به‌دست آمده در زمینه حقوق بشر، حقوق زنان و حق تحصیل دختران در داخل و خارج افغانستان فعالیت دارند، می‌باشد. علاوه بر این، این

# داعش خراسان و..

داعش بار دیگر موترهای مسافری را در شهر مزارشریف هدف حمله قرار داد. روز چهارشنبه، ۲۵ می، سه حمله در ساحات حوزه پنجم و دهم شهر مزارشریف رخ داد و در آن‌ها نه تن کشته و ۱۵ تن دیگر زخمی شدند. در ادامه شامگاه چهارشنبه، ۲۵ می، مسجد زکریا در چهارراهی ترافیک از مربوطات حوزه چهارم امنیتی شهر کابل نیز مورد حمله قرار گرفت. براساس آمار شفاخانه ایمرجنسی، شش کشته و ۱۶ زخمی به این شفاخانه منتقل شدند. آن رویداد ناشی از انفجار ماین جاسازی شده در منبر مسجد بود.

در ۲۸ جون، پنج مهاجم شاخه خراسان داعش به درمسال هندوها در شهر کابل حمله کردند. در آن حمله که در ساحه گردنه باغ بالا صورت گرفت، منابع کشته و زخمی شدن دست کم ۳۰ تن را تأیید کردند. با این حال، طالبان گفتند که در آن رویداد یک شهروند اهل هنود و یک جنگجوی طالب کشته شده و هفت شهروند اهل هنود زخمی شدند. داعش اعلام کرد که آن حمله در پی توهین سیاستمداران هندی به پیامبر اسلام انجام شده است.



روز جمعه، ۱ جولای، تالار لویه جرگه که میزبان نشست عالمان دین طالبان بود، تحت تدابیر شدید امنیتی، هدف حملات راکتی قرار گرفت. دیری نگذشت و بامداد روز دوشنبه، ۴ جولای، سه کاستر حامل کارمندان قول اردوی ۲۰۷ الفاروق طالبان و یک کاستر حامل پولیس میدان هوایی هرات در ساحات بلندآب، نمبر یک و سرچنگل شهر هرات هدف قرار گرفتند. بر بنیاد آمار منابع به روزنامه ۸ صبح، در آن حملات دست کم ۱۸ تن از جنگجویان طالب و کارمندان غیرنظامی جان باختند و نزدیک به ۲۰ تن دیگر زخمی شدند.

به ادامه حملات داعش، پنجشنبه شب، ۱۴ جولای همان سال، یک درگیری دیگر میان طالبان و گروه داعش در روستای قنجه ولسوالی امام صاحب کندز رخ داد که بر بنیاد آمارها، در آن دست کم هشت عضو شاخه خراسان داعش شامل شهروندان خارجی و چهار جنگجوی طالب کشته شدند.

پس از آن حمله، روز جمعه، ۵ اگست، انفجاری در نزدیکی مسجد امام باقر در ساحه سر کاریز، از مربوطات حوزه ششم امنیتی شهر کابل، رخ داد. فرماندهی امنیه طالبان در کابل شمار تلفات آن رویداد را هشت کشته و ۱۸ زخمی اعلام کرد، اما شاهدان عینی گفتند که در آن انفجار دست کم ۲۰ تن کشته و نزدیک به ۳۰ تن دیگر زخمی شدند. همزمان، انفجار دیگر عصر همان روز در ساحه پل سوخته شهر کابل رخ داد که در آن دست کم ۱۲ تن کشته و ۳۵ تن دیگر زخمی شدند. عارف رحمانی، عضو مجلس نماینده گان پیشین، اما گفت که در آن انفجار دست کم ۲۵ تن کشته و ۳۰ تن دیگر زخمی شدند.

یک روز پس از آن رویداد عوامل داعش در روستای مزاردره ولسوالی نورگل ولایت کنر بر جنگجویان طالبان آتش گشودند که در نتیجه سه جنگجوی طالب کشته و دو تن دیگر زخمی شدند. به تعقیب آن حمله، یک روز بعد انفجاری در ساحه جاده آسمایی شهر کابل بر مسافران هزاره یک موتر مسافری نوع کاستر انجام شد که از تلفات آن آمار بیرون داده نشد.

در سومین حمله داعش در همان ماه مدرسه رحیم الله حقانی، از مبلغان حامی طالبان، روز پنجشنبه، ۱۱ اگست، در شش درک کابل هدف قرار گرفت که در آن، حقانی و برادرش جان باختند. رحیم الله حقانی از اعضای برجسته طالبان بود. طالبان مرگ او و برادرش در حمله انتحاری داعش را تأیید کردند.

افزون بر آن، منابع محلی روز جمعه، ۲ سپتامبر، از وقوع یک انفجار بزرگ در مسجد گازرگاه هرات خبر دادند. در آن حمله به شمول مولوی مجیب الرحمان



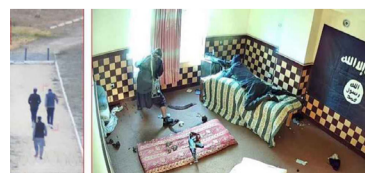
انصاری، خطیب آن مسجد، ۴۵ تن کشته و ۸۶ نمازگزار دیگر که همه غیرنظامی بودند، زخمی شدند. دو روز پس از آن حمله، روز دوشنبه، ۵ سپتامبر، بخش قونسل سفارت روسیه در کابل مورد حمله قرار گرفت که در آن دو دیپلمات روس و دست کم شش دانشجوی متقاضی بورسیه روسیه کشته و ۱۲ تن دیگر زخمی شدند. روسیه بلافاصله دستور توقف خدمات قونسلش در کابل را صادر کرد. به این ترتیب داعش با پذیرفتن مسوولیت حمله بر سفارت روسیه در کابل، نخستین حمله خود بر یک مکان دیپلماتیک پس از تسلط طالبان را ثبت کرد. در ادامه، داعش روز جمعه، ۲۳ سپتامبر، نمازگزاران مسجد وزیر اکبر خان را با یک موتر ماین گذاری شده هدف قرار داد و در آن براساس آمارهای طالبان، هشت تن کشته و ۴۱ تن دیگر زخمی شدند.

یک هفته پس از آن رویداد، داعش یکی از بزرگترین حملات بر غیرنظامیان در آن سال را انجام داد. روز جمعه، ۳۰ سپتامبر، گزارش شد که در مرکز آموزشی کاج در غرب شهر کابل انفجار صورت گرفته است. مهاجم انتحاری با کشتن محافظ آموزشگاه، خودش را در میان دانش آموزانی که برای امتحان آزمایشی کانکور تجمع کرده بودند، منفجر کرد. در آن حمله براساس آمارها دست کم ۵۳ تن کشته و ۱۱۰ زخمی شدند. از آن میان ۴۶ تن نشان دختران جوان و نوجوان زیر سن ۲۰ سال بودند.

حدود ۲۲ روز پس از آن حمله، طالبان با راه اندازی یک عملیات در ساحه بینی حصار واقع در مربوطات حوزه هشتم امنیتی شهر کابل، مدعی شدند که عاملان حمله بر مسجد وزیر محمد اکبر خان و آموزشگاه کاج را کشته اند. ذبیح الله مجاهد، سخنگوی عمومی طالبان، آن زمان گفت که در نتیجه درگیری این گروه با داعش، شش داعشی و یک طالب کشته شده اند.

طالبان بارها مدعی انجام عملیات علیه داعش شدند، اما حملات این گروه همچنان فروکش نکرد. دیری نگذشت که خبری از حمله دیگر داعش از هرات رسید. بامداد پنجشنبه، ۲۷ اکتوبر، کاستر حامل داکتران قول اردوی الفاروق طالبان در ساحه پل خیمه دوزان شهر هرات هدف حمله قرار گرفت و در آن دست کم پنج تن کشته و ۱۸ تن دیگر زخمی شدند. پس از چاشت پنجشنبه، ۱ دسامبر، انفجاری در مدرسه «الجهاد» واقع در سرک بند شهر ایبک، مرکز ولایت سمنگان، رخ داد که در نتیجه دست کم ۳۵ نمازگزار و طلبه مدرسه جان باختند و ۲۳ تن دیگر زخمی شدند. مسوولیت آن حمله را نیز داعش برعهده گرفت. هیأت معاونت سازمان ملل متحد در کابل آمار آن رویداد را ۱۹ کشته و ۲۳ زخمی اعلام کرد.

پس از حمله بر این مدرسه در سمنگان، روز جمعه، ۲ دسامبر، بر عبیدالرحمان نظامانی، سفیر تازه منصوب شده پاکستان در کابل، در محوطه این سفارت تیراندازی شد. هرچند در آن حمله به شخص سفیر آسیبی نرسید، اما یک محافظ وی به نام اسرارمحمد زخمی شد. پاکستان آن حمله را «خطای امنیتی بسیار جدی» خواند و سفیر طالبان در اسلام آباد را احضار کرد. گروه داعش بعداً با نشر تصویری از جریان تیراندازی، مسوولیت حمله را برعهده گرفت.



چهار روز پس از آن حمله، سه شنبه، ۶ دسامبر، موتر

حامل کارمندان مواد نفتی حیرتان در ساحه ای از شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ، هدف انفجار ماین داعش قرار گرفت. محمدآصف وزیر، سخنگوی قوماندانی امنیه طالبان در بلخ، گفت که در آن انفجار هفت تن کشته و شش تن دیگر زخمی شدند.

یک هفته پس از آن، صدای انفجار و تیراندازی از شهرنو کابل به گوش رسید. داعش روز دوشنبه، ۱۲ دسامبر، بر اقامتگاه چینی‌ها (هتل کابل) در کوچه برج شهرنو کابل حمله کردند. براساس آمارهای نشر شده از سوی شفاخانه ایمرجنسی، سه کشته و ۱۸ زخمی از محل رویداد به این شفاخانه منتقل شدند. وانگ ون بین، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، با تروریستی خواندن آن حمله، زخمی شدن پنج تن از شهروندان این کشور را تأیید کرد.

آخرین حمله در سال ۲۰۲۲ در بدخشان اتفاق افتاد. بامداد دوشنبه، ۲۶ دسامبر، عبدالحق عمری، قوماندان امنیه طالبان در بدخشان و دو محافظش در شهر فیض آباد بدخشان هدف انفجار ماین قرار گرفتند و کشته شدند. در آن حمله که داعش مسوولیتش را پذیرفت، چهار تن دیگر زخمی شدند.

## ۲۰۲۳ و ماه‌های خونینی که داعش رقم می‌زند

در سال ۲۰۲۳، گروه داعش از کمیت حملاتش کاست. این گروه حملات هدفمند بر ساحات مهم‌تر نظامی و دیپلماتیک را روی دست گرفت. طی آن حملات که شمارشان به هشت می‌رسد، دست کم ۶۸ تن از جمله بیش از ۲۱ جنگجوی طالب و دو فرمانده این گروه کشته و ۲۱۵ تن زخمی شدند. از میان این حملات سه مورد آن در اماکن نظامی و ملکی طالبان صورت گرفته است.

در ۱ جنوری، مهاجم انتحاری در درب ورودی میدان هوایی کابل خود را منفجر کرد. هرچند همه قربانیان غیرنظامی اعلام شدند، اما شاهدان عینی در محل گفتند که در آن زمان تردد افراد عام در نزدیکی درب ورودی میدان هوایی نظامی ممنوع بود. گروه شاخه خراسان داعش مسوولیت آن حمله را برعهده گرفت و با نشر تصویری از مهاجم انتحاری، مدعی شد که در آن حمله دست کم ۵۰ جنگجوی طالب را کشته و زخمی کرده است. در همین حال، منابعی به شبکه الجزیره آن زمان گفته بودند که در آن حمله ۱۴ تن کشته و ۱۸ تن دیگر زخمی شده‌اند.



روز چهارشنبه، ۱۱ جنوری، همزمان با حضور هیأتی از دیپلماتان چینی، انفجاری در درب ورودی وزارت خارجه طالبان در چهارراهی ملک اصغر، از مربوطات حوزه دوم شهر کابل رخ داد. منابع به روزنامه ۸ صبح گفتند که در آن حمله دست کم ۲۱ تن جان باختند و ۴۷ تن زخمی شدند. داعش مسوولیت حمله را برعهده گرفت و از شخصی به نام خیبر القندوزی به عنوان مهاجم خود یاد کرد؛ حمله‌ای که در آن ۱۸ تن از کارمندان وزارت امور خارجه طالبان و سه جنگجوی طالب کشته شدند.

به ادامه حملات داعش، این بار رییس اداره آبرسانی طالبان در هرات روز چهارشنبه، ۸ مارچ، در ساحه تالار لاله‌زار شهر هرات ترور شد. در آن حمله بر موتر حامل محمدداوود کاکر از سوی یک تفنگ‌دار ناشناس در



وسط جاده گلوله‌باری شد. منابع از محل رویداد به روزنامه ۸ صبح گفتند که در آن حمله همراه با کاکر، دو تن دیگر نیز کشته و چهار تن دیگر زخمی شدند. به تعقیب آن رویداد، نخستین حمله بر یک مقام بلندپایه طالبان رقم خورد. مهاجم داعش که حدود یک ماه در پوشش شخص مدعی بر سر ملکیت قلابی در شهر مزارشریف به مقام ولایت بلخ رفت‌وآمد می‌کرد، سرانجام روز پنجشنبه، ۹ مارچ، مواد منفجره خود را در دهلیز دفتر والی طالبان منفجر و محمدداوود مزمل را ترور کرد. در آن حمله علاوه بر مزمل، دو تن دیگر نیز کشته و ۳۰ تن دیگر زخمی شدند. سایت اعماق داعش مسوولیت این حمله را برعهده گرفت و از مهاجم به نام عبدالحق الخراسانی نام برد. سپس طالبان در اپریل اعلام کردند که عاملان حمله بر داوود مزمل را در فاریاب بازداشت کرده‌اند. از سویی، این گروه اعلام کرد که فرد شماره دوم داعش به نام ضیاالدین که والی خودخوانده و مسوول قضایی این گروه برای ولایت بلخ نیز بود را نیز در کنار دو تن دیگر کشته‌اند.

دیری از آن حمله نگذشته بود که شنبه، ۱۱ مارچ، انفجاری در مرکز تیبیان در شهر مزارشریف رخ داد. انفجار زمانی به وقوع پیوست که شماری از خبرنگاران برای تحلیل از روز خبرنگار در این مرکز تجمع کرده بودند. در آن حمله دست کم دو تن که خبرنگار بودند، کشته و ۳۰ تن دیگر به شمول ۱۵ خبرنگار زخمی شدند. داعش مسوولیت آن حمله را برعهده گرفت.

پس از حدود دو ماه از حمله بر وزارت امور خارجه طالبان، دیپلماتان این وزارت بار دیگر مورد حمله قرار گرفتند. گروه داعش چاشت دوشنبه، ۲۷ مارچ ۲۰۲۳، کارمندان این وزارت را هدف قرار داد که در نتیجه دست کم شش تن کشته و ۱۲ تن دیگر به شمول جنگجویان طالبان زخمی شدند. گفتنی است که نیروهای ویژه طالبان در سال ۲۰۲۳ حملات شبانه متعددی را بر مخفی‌گاه‌های داعش در ولایات کابل، هرات، بلخ و نیمروز راه‌اندازی کردند و طی آن عملیات‌ها مدعی کشته و زخمی کردن ده‌ها تن از اعضای این گروه شدند.

با این حال، در آخرین انفجارهای پیهم ۶ جون و ۷ جون در بدخشان، معاون والی طالبان برای آن ولایت و یک فرمانده دیگرشان کشته شدند. در انفجار بر موتر نثاراحمد احمدی، معاون والی و سرپرست طالبان برای ولایت بدخشان، او و راننده‌اش کشته و ۱۷ تن دیگر زخمی شدند. در انفجار دوم بر مراسم فاتحه او، ۱۷ تن به شمول یک فرمانده طالبان کشته و ۵۷ تن دیگر زخمی شدند. مسوولیت هر دو حمله را داعش برعهده گرفت.



این حملات گسترده در حالی انجام می‌شود که براساس معلومات ۸ صبح، تشکیل داعش خراسان با توجه به پیوستن جنگجویان خارجی به این گروه، با گذشت هر روز قدرت‌مندتر می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که شمار زیادی از اعضای گروه جنرال‌ها به علت ناراضیاتی از طالبان، به شبکه داعش خراسان پیوسته‌اند. به این ترتیب گروه جنرال‌ها در داخل تشکیل داعش خراسان شکل گرفته و مسوولیت آن را نیز ملا سعد و اسامه فرزند عثمان غازی برعهده دارند. شمار افراد این گروه به دو هزار تن می‌رسد و در شمال افغانستان مستقر هستند. با توجه به پیوستن این گروه به داعش، گمانه‌زنی‌ها از افزایش حملات داعش خراسان علیه طالبان بالا گرفته است.

گفتنی است که براساس معلومات منابع، افراد طالبان به شدت از گسترش دامنه فعالیت داعش هراس دارند. این گروه هرچند در نشست‌های مطبوعاتی عمل کرد داعش را اندک جلوه می‌دهد، اما در خفا از قدرت‌گیری این گروه نگران است و تلاش دارد که با راه‌اندازی عملیات‌هایی، جلو حملات داعش خراسان را بگیرد. با این حال، مشخص نیست که طالبان با چه ابزاری از پس برنامه‌های داعش، به‌ویژه داعش خراسان، برخواهد آمد.

## گفت و گو با ریادلیل؛

# ممنوعیت تحصیل زنان بحران صحتی را تشدید می کند



امین کاوه

**اشاره:** ثریا دلیل پنج سال به حیث وزیر صحت عامه در حکومت پیشین و سفیر و نماینده دائمی افغانستان در مقر سازمان ملل در جنیوا کار کرده است. او اکنون به عنوان مدیر برنامه های ویژه مراقبت های صحتی سازمان صحتی جهان کار می کند. بانو دلیل می گوید که با پیشینه مسلکی و تخنیکی به چوکی وزارت رسیده است. او غیرمتمرکزسازی فعالیت های شفاخانه ها، افزایش زمینه تعلیمات قابله گی در مناطق دوردست، شامل کردن واکسین سینه و بغل در برنامه عادی واکسین و افزایش میزان توقع حیاتی را از مهم ترین دستاوردهای کاری صحت عامه در هنگام ماموریتش می داند. مواد مخدر، خشک سالی های متواتر، حمله های انتحاری، کمبود قوای بشری مسلکی در مناطق دوردست و برخی از درخواست های غیرموجه اعضای شورای ملی پیشین را از مشکلات فراره کاری خویش در وزارت صحت عامه عنوان می کند. او می گوید که وضعیت بحرانی صحت و اعمال ممنوعیت های طالبان بر زنان، دسترسی زنان به خدمات صحتی را پایین می آورد و زمینه های مرگ و میر مادران و کودکان افزایش پیدا می کند.

**۸ صبح:** بانو ثریا دلیل، ممنون از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید. مهم ترین تجربه ای که از کار در بخش صحت در کشور گرفتید، چه بود؟  
**دلیل:** از روزنامه محترم ۸ صبح به خاطر این فرصت، سپاس گزارم. در چنین وضعیتی هم که این رسانه، صدای مردم افغانستان است، تقدیر می کنم. از شروع سال ۲۰۱۰ تا ختم ۲۰۱۴ برای مدت پنج سال به حیث وزیر صحت عامه کار کردم. در آن مدت فرصت خدمت و مرهم گذاشتن به دردها و رنج های مردم افغانستان برایم فراهم شده بود و افتخار خدمت گذاری به مردم را داشتم. این را به خاطر می گویم که سابقه سیاسی نداشتم. از نسلی هستم که تبدیل شدن حکومت ها و جنگ های کابل در ۱۳۷۰ هجری خورشیدی را دیده ام. از دست دادن اعضای خانواده، زخمی شدن و شهادت شان را در اثر انداخت راکت ها در کابل، مهاجر شدن و فرار کردن از کشور را تجربه کرده ام با چشم سر دیده ام و با پوست و استخوان حس کرده ام. در واقع به شکلی از اشکال با سیاست گره خورده ام. اما در تصدی وزارت، کاملاً از یک پیشینه تخنیکی و مسلکی، وارد

**یکی از گپها در منشور سازمان صحتی جهان، دسترسی عادلانه به خدمات صحتی است. دسترسی عادلانه به خدمات صحتی، رهنمود کار ما بود. در دورترین جاهای افغانستان داکتر، نرس، پرسونل صحتی، کلینیک و دوا موجود بود. با تمام توان کار می شد تا عرضه خدمات صحتی فراتر از مرکز ولایت ها، به دورترین نقاط برسد.**

مسئولیت سیاسی شدم. داکتر طب بودم. طبابت را در فاکولته طب کابل یا انستیتوت ایوبعلی سینای بلخی در کابل خوانده ام و از دانشگاه «هاروارد» در بخش پالیسی صحت ماستری گرفته ام. فرصت خدمت گذاری در یک بعد کلان سیاست گذاری برای مردم، به من میسر شد و کوشش کردم تصمیم در سکتور صحت عامه، مبتنی بر شواهد علمی باشد. تمام تلاش من و همکارانم این بود که بهترین شواهد و داشته های علمی را در خدمت مردم افغانستان قرار بدهیم و از منابع معتبر بین المللی استفاده کنیم. از همین خاطر نخستین کار را که در وزارت صحت عامه انجام دادم، تفویض صلاحیت به شفاخانه ها بود. این کار را از کابل شروع کردیم، به خاطری که سیستم مدیریتی شفاخانه ها در کابل خیلی قدیمی و کهنه بود. کارهای تدارکاتی و ادویه را به شفاخانه ها سپردیم؛ چون قبلاً از آن تمام تصمیم منحصر به وزارت صحت عامه بود و متمرکز کردن صلاحیت ها به نفع شفاخانه ها نبود. شفاخانه ها باید صلاحیت پیدا می کردند تا اقلام دوائی را به قدر ضرورت و اولویت بندی خود بخرند. این کار صورت گرفت.

دستآورد دیگر، سرمایه گذاری و توجه بلندمدت و جدی به تعلیمات قابله گی در افغانستان بود. تعلیمات قابله گی به مناطق دوردست و روستاها برده شد و نصاب درسی این مراکز آموزشی با استفاده از تجارب بین المللی، نو شد. قابله ها در دورترین نقاط افغانستان برای مدت دو سال که بعداً هژده ماه شد، تعلیم دیدند. خیلی فنی و ماهر بودند. قابله ها می توانستند با مهارت های مسلکی خود به مادران کمک کنند. از زمانی که وزارت را ترک کردم، چهار هزار و ۸۰۰ قابله مسلکی تربیه شده بودند. کار سوم، معرفی و شامل کردن واکسین سینه و بغل به عنوان برنامه روزانه و عادی وزارت بود. سینه و بغل یکی از امراض کشنده است. بنابراین، شمولیت آن در برنامه نورمال وزارت، یک قدم مهم و قیوی برای پیش گیری از مرگ اطفال بود که با وجود موانع، این برنامه اجرا شد.

**۸ صبح:** زمانی که شما وزیر بودید، کدام عوامل و بروکراسی در ساختار سازمانی، مانع عرضه خدمات متوازن، به موقع و متناسب با نیازمندی ها و ضرورت های شهروندان افغانستان می شد که شما نمی توانستید آن موانع را از سر راه بردارید؟  
**دلیل:** بهتر است موانع و مشکلات را به سه کتگوری دسته بندی کنیم. دسته اول، زمینه و ماحول (کانتکست کشور) است. یکی از موانعی که باید به گونه درست و فوری به آن رسیده گی می شد، زخمیان و قربانیان حمله های انتحاری بود. مخصوصاً در دو سه سال آخر کارم، حمله های انتحاری خیلی زیاد شده بود. مجروحان به صورت کلتوی به شفاخانه ها انتقال داده می شدند و پیش بینی هم نمی شد. تجارب بسیار دردناک از چشم دیدن ما به ارتباط قربانیان حمله های انتحاری دارم. مثلاً حمله هایی که در شهر کابل صورت گرفت. حمله انتحاری ای که در ولایت فراه صورت گرفت و بسیار از افراد ملکی از بین رفت. به همین شکل حمله های انتحاری ای که در ولایت های فاریاب و هلمند شده بود. این ها همه یکی از پیشامدهای تقریباً هر روزه بود که ما با آن سردچار بودیم.

مساله دیگر، خشک سالی بود. در بسیاری از ولایت ها خشک سالی بیداد می کرد که زراعت و امنیت غذایی را زیر سوال می برد. سوء تغذیه را در نزد اطفال زیاد می کرد. سیلاب هایی که در بهار رخ می داد. تمام این حالات باعث می شد که علاوه بر انجام کارهای میان مدت و درازمدت، باید واکنشی هم عملی می کردیم و به مشکلات حاد رسیده گی می کردیم. از طرف دیگر، کشت کوکنار مشکلات زیادی را برای وزارت صحت عامه و در کل دستگاه دولت به وجود آورده بود. گرچه ما با ایجاد شفاخانه ها در کابل و بعضی ولایت ها کوشش کردیم که به این معضل رسیده گی شود. این یکی از اولویت های کار ما بود. کوشش کردیم که با ایجاد شفاخانه مخصوص در کابل، به تداوی معتادان کمک شود؛ اما مادر حقیقت به احراز رسیده گی می کردیم و ریشه اصلی مشکل که کشت کوکنار و دسترسی آسان به مواد مخدر بود، پابرجا بود. مواد مخدر در بازار وجود داشت و در دسترس همه قرار داشت. بیکاری و فقر و فشارهای روزگار مردم را مجبور می ساخت که به مواد مخدر رو بیاورند. وقتی رو می آوردند، ترک کرده نمی توانستند. مساله دیگر، مشکلات در دستگاه دولت بود. به طور مثال، مشکلات گمرکی بالای وزارت صحت عامه تاثیر زیاد داشت، اما کار برای رفع آن انجام نمی شد. وارد کردن مواد غذایی، مواد طبی و ادویه از طریق قاچاق، بر مشکلات می افزود. کنترل لازم و کافی بالای گمرکات و سرحدات نبود. این کارها بالای مارکیته دوا و کیفیت دوا تاثیر می کرد. مشکلات با اعضای مجلس نماینده گان و مجلس سنا هم بود. آن ها تقاضاهای برحق داشتند. اعضای شورای ملی یک بخش کلان کار وزارت ها و شخص وزیر را تشکیل می دادند. یک تعداد تقاضای برحق داشتند، مثلاً می گفتند کلینیک و شفاخانه در ولایت ما ایجاد شود، زمینه تعلیمات نرسنگ و قابله گی برای موکلان ما فراهم شود، این ها تقاضاهای موجه و برحق بود. اما در عین زمان تقاضای مبتنی بر تقرری ها و بعضی تقاضاهایی که در چوکات قوانین نبود، نیز صورت می گرفت. این مسایل، چالش را بر روال کار وزارت ایجاد می کرد.

مشکل دیگر که مربوط نظام صحتی بود، منابع بشری بود که نظام صحتی را با چالش مواجه ساخته بود. گرچه توانستیم تعداد زیادی از پرسونل را تربیه مسلکی دهیم. یک بخش امتیاز به وزارت تحصیلات عالی برمی گردد که فاکولته های طبی را در اختیار داشت، اما پرسونل طبی تنها داکتران نیستند. فارمسست ها، نرس ها، قابله ها، روان شناس ها و کارمندان صحتی محلی، تمام این ها در مجموعه از قوای بشری صحت عامه هستند. استخدام خانم ها و بانوان مخصوصاً در ولایت دوردست یک معضل جدی بود. اگر ولایت ها مشکلات نامنی می داشت، فرستادن داکترها به آن جاها کاری سخت و پرچالش بود. با استفاده از پالیسی های مشوق، خواستیم که انگیزه رفتن را به ولایت های دوردست زیادتر بسازیم.

مثلاً استخدام زن شوهر و خواهر و برادر یا دادن مدد معاش و بلند کردن معاش را روی دست گرفتیم. حتاً در بعضی موارد با والی ها صحبت کرده بودم که برای آن ها در قسمت تامین امنیت و خانه بهتر همکاری کنند. یکی از آموخته هایی که می توان از تجربه های گذشته آموخت، این است که استخدام کارمندان صحتی از منطقه و محل، بهتر از کارمندی که از مرکز ارسال می شوند، عمل می کند و بازدهی دارد. ارسال کارمندان صحتی به محله ها، یک راه حل درازمدت نیست. اگر کارمندان از خود محل باشند، بازدهی و سهم شان زیادتر و پایدارتر است. مشکل دیگری که مخصوصاً در شهرهای بزرگ به ویژه در کابل داشتیم، نفوس کابل زیاد بود. اکثر شفاخانه ها تعمیر کهنه و فرسوده داشتند. این تعمیرها در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ساخته شده بودند و پاسخگوی نیازمندی های امروز نبودند. نبود پارک های سبز، نقشه منظم شهری و سیستم کانالیزاسیون و آب صحتی آشامیدنی، همه دست به دست هم داده بودند تا خدمات را در شهر کابل تحت تاثیر قرار بدهند.

**۸ صبح:** پروژه ها و برنامه هایی که از سوی سازمان های جهانی و سایر نهاد های بین المللی در وزارت صحت عامه اجرا می شد، برای تقویت بنیه های نظام صحتی چقدر موثر بود؟

**دلیل:** سازمان صحتی جهان در اضافه تر از ۱۵۰ کشور حضور فیزیکی دارد. به کشورها در قسمت ساختن پالیسی ها و استراتژی ها همکاری تخنیکی می کند. سازمان صحتی جهان سال های زیادی می شود که در افغانستان فعالیت می کند. یک تعداد هم وطنان ما به یاد دارند که مرض چیچک یک تعداد را کور می کرد و شماری را از بین می برد و یا لکه هایی در روی شان باقی می گذاشت، با کمک سازمان صحتی جهان ریشه کن شد. این سازمان با راه اندازی کمپین واکسین سرتاسری، در ریشه کن کردن آن نقش کلیدی داشت. سازمان صحتی جهان در تمام ولایت افغانستان در قسمت ریشه کنی چیچک در سال های ۱۹۶۰-۱۹۷۰، نقش اساسی داشت. سازمان های دیگر چون یونیسف، بانک جهانی و سایر نهادها خیلی نزدیک با وزارت صحت عامه کار می کردند، مخصوصاً متخصصان شان با متخصصان ما از نزدیک کار می کردند. در قسمت تطبیق واکسین سینه و بغل، سازمان صحتی جهان به ما کمک کرد. یکی بخش از پول واکسین سینه و بغل را حکومت وقت افغانستان می پرداخت و یکی بخش آن از سوی سازمان صحتی جهان و ایتالاف بین المللی واکسین پرداخته می شد. ما توانسته بودیم وزارت مالیه را قناعت بدهیم که خرج و هزینه ای که برای واکسین می شود، یک مقدارش را بپردازد؛ چون یکی از شرط های همکاری و تطبیق واکسین همین بود. اگر آن شرط برآورده نمی شد، ما نمی توانستیم در تطبیق این روند موفق شویم. سازمان صحتی جهان در تهیه و تدوین مقررات در زمینه فعالیت سکتور خصوصی صحتی کمک کرد و ما با کمک تخنیکی شان، قانون را به پارلمان فرستادیم. همچنان سازمان صحتی جهان و یونیسف در بخش تغذیه و ریشه کنی فلج اطفال کمک می کردند. اما مهم بود که خود حکومت یا وزارت صحت عامه، پالیسی در راستای صحت عامه داشته باشد تا در پرتو آن همکاران بین المللی را برای کمک موثر به مردم سوق و سمت و سوسو بدهد.

**۸ صبح:** شما برای سمت و سوسو دهی همکاران بین المللی از داشتن پالیسی یاد کردید، آیا در هنگامی که وزیر بودید، چنین پالیسی ای وجود داشت؟

**دلیل:** بله. این پلان را داشتیم. در روشنایی پالیسی و استراتژی سکتور صحت عامه، سالانه یک بار با تمام سازمان های بین المللی در کابل نشست می داشتیم و چالش ها و فرصت ها را ارزیابی می کردیم. اولویت ها را ما تعیین می کردیم و از طریق آن ها منابع و امکانات کمک های تخنیکی را جلب و جذب می کردیم. همه این ها وقتی موثر است و خوب کار می کند که تحت چتر واحد برای یک هدف کلان سازمان دهی شود. ما با تمام توان در راستای تطبیق این هدف تلاش می کردیم.

## گفت و گو با اثریادلیل...



۱۲ سال مکتب و ۷ سال طب می خواند، سال های زیادی از عمر خود را وقف می کند. بناءً وقتی آماده خدمت و وارد بازار کار می شود و انرژی دارد، از ورود به مسلک ممنوع می شود، مایوس می گردد. ممنوعیت در این دو پروسه در حقیقت مانع فارغ شدن و تصدیق تخصص زنان می شود که این به هر دو طرف ضربه می رساند، هم به داکتر ضربه می رساند و هم به وزارت صحت عامه ضربه می زند و بیشتر از همه به مردم افغانستان و مردمی که به این خدمات ضرورت دارند، صدمه می رسد.

**۸صبح:** از نظر معیارهای جهانی، نظام صحتی فعلی در کشور در چه وضعیت قرار دارد؟  
**دلیل:** یکی از شاخص ها در صحت عامه، میزان مرگومیر مادران و اطفال است. ممنوعیت از کار، پایین آمدن اقتصاد مردم، خشک سالی در بعضی نقاط افغانستان، فرار کادرها، این ها همه دست به دست هم می دهند و سبب می شوند که شاخص ها ضعیف شود. شاخص ها در سه یا چهار سال اخیر در اکثر کشورها مخصوصا کشورهای رو به انکشاف عقب گرد داشته است. علت عقب گرد، پاندمی کووید-۱۹ بوده است. در افغانستان وضعیت پیچیده تر است. مشکلات بیماری و مشکلات اقتصادی، مشکلات ممنوعیت که سر خانم ها وضع شده است. زنان ترجیح می دهند که توسط داکتر زن معاینه شوند، مخصوصا اگر بحث باروری و زایمان مطرح باشد. خانم ها تنها در بخش نسایی-ولادی کار نمی کردند. داکترهای زن در بخش های مختلف کار می کردند. لایق و مجرب بودند. سازمان صحتی جهان پیش بینی می کند که جهان تا سال ۲۰۳۰ میلادی با ۱۰ میلیون کمبود کارمند صحتی مواجه می شود. تمام دنیا با فقدان کارمند صحتی مواجه هستند. این وضعیت در یک کشور مثل افغانستان شدید و جدی تر است. با مشکلات اقتصادی و ممنوعیت ها و مهاجرت هایی که صورت گرفت و ناامیدی ای که وجود دارد، این تهدید در کشور جدی تر است. کشورها کوشش می کنند که با ایجاد پالیسی های حمایتی این مشکلات را مرفوع کنند. فعالیت های شان را زیاده تر غیرمتمرکز می سازند. مهاجرت پرسونل طبی را مانع می شوند. حتی کشورهایی که خیلی در شرایط نورمال هستند، کار می کنند تا مشکل قوای بشری صحت در قسمت زنان و مردان مرفوع شود.

**۸صبح:** لحظه ای را تصور کنید که شما به عنوان مشاور صحت عامه در افغانستان هستید، چه مشوره می دادید؟

**دلیل:** پیشنهاد می کردم که صحت را سیاسی سازند و محصلان زن را اجازه بدهند که در بخش طبابت و در بخش تعلیمات طبی درس بخوانند. کشورهای دیگر با ایجاد سیستم صحتی عادلانه و متوازن برای زنان و مردان، بر مشکلات فایقی آمده اند. داکتر آوردن از کشورهای همسایه، راه حل نیست. ما باید درخت صحت را تنومند بسازیم. این درخت وقتی تنومند می شود که ریشه ها و زمینش تنومند باشد. صحت هم مثل یک درخت است. خوب است به این قسمت بازنگری کنند و این در نهایت به نفع مردم افغانستان و به نفع کسانی است که می خواهند اعتماد مردم را جلب کنند.

**۸صبح:** بانو دلیل، ممنون از این که به پرسش های ما پاسخ دادید.

**دلیل:** خواهش می کنم. از شما هم صمیمانه سپاس گزارم که در دشوارترین شرایط برای افغانستان کار می کنید.

نیاز دارند. محدودیتی که بالای بانوان وضع شده، بحران را بی نهایت پیچیده کرده است. حدود ۷۰ درصد کارمندان صحتی را در جهان خانم ها تشکیل می دهند. این یک رقم جهانی است؛ یعنی اضافه تر از دو سوم کارمندان صحتی، زنان هستند. ما می فهمیم که ارقام در افغانستان تقریبا عین چیز است. از یک طرف عرضه (supply)، محصلان فاکولته طب و بخش های دیگر که بانوان تحصیل می کردند، توقف پیدا کرده است. بناءً در بازار کار و محیط کار، خانم ها و بانوان تازه نفس وارد نمی شوند. فکر می کنم وضعیت بحرانی است، وقتی که گفته می شود خانم ها بدون محرم جایی نروند. در غزنی چند ماه قبل یک اعلامیه نشر شد که زنان بدون پایواز مردانه در شفاخانه غزنی مراجعه کرده نمی توانند. در شفاخانه ولایتی زنان اجازه نیست. در سیاست کلان هم عمل کرد [طالبان] طوری است که زن ها در خانه باشند، در فعالیت های اجتماعی و مسلکی سهم نگیرند، به دانشگاه ها نروند، از خود عاید نداشته باشند و کار نکنند. این ممنوعیت ها در بخش صحت که حدود ۷۰ درصد را تشکیل می دهد، تاثیرات عمیق دارد. علاوه بر آن، یک تعداد کارمندان صحتی از افغانستان مجبور شده اند بیرون شوند. یک تعداد کارمندان در نتیجه ابتلا به کووید-۱۹ از بین رفتند. در کشورهای دیگر تلاش می کنند که قوای بشری خود را کلان بسازند. به طور مثال چندی قبل به کشور تونس در افریقای شمالی رفته بودم. در مورد این که چگونه قوای بشری خود را کلان بسازند، مخصوصا در روستاها و نقاط دور دست خود نرس و قابل، لابرات، روان شناس و داکتر متخصص و امثال آن را شامل سازند، کار می کردند، ولی ما به آن چه در چند سال قبل داشتیم، از آن هم عقب گرد داشته ایم.

**۸صبح:** طالبان محدودیت های زیادی علیه زنان وضع کرده اند. به گونه مثال امتحان دولتی Exam Exit را برای داکتران زن متوقف کرده اند. برنامه اكمال تخصص برای داکتران زن نیز متوقف شده است. این محدودیت ها چه تاثیری بر تداوم و کیفیت خدمات صحتی وارد می کند؟

**دلیل:** پیامدهایش سر روحیه داکتران جوان ما زیاد است و تاثیر منفی می کند. رشته طبابت طوری است که دانشجویان این عرصه خیلی درس می خوانند تا یک مریض را در کنار بسترش کمک کنند. روحیه انسانی این مسلک خیلی در معاونت و کمک کردن به دیگران بالاست. وقتی یک خانم

**۸صبح:** قوانین و مقرراتی که در وزارت صحت عامه نافذ بود، آیا با معیارهای سازمان جهانی صحت و ضرورت های این بخش در کشور طرح و تصویب شده بود؟

**دلیل:** بلی. یکی از گپ ها در منشور سازمان صحتی جهان، دسترسی عادلانه به خدمات صحتی است. دسترسی عادلانه به خدمات صحتی رهنمود کار ما بود. در دورترین جاهای افغانستان داکتر، نرس، پرسونل صحتی، کلینیک و دوا موجود بود. با تمام توان کار می شد تا عرضه خدمات صحتی فراتر از مرکز ولایت ها، به دورترین نقاط برسد. تطبیق کمپین های واکسین به دورترین نقاط می رسید. در برابر امراض و عرضه خدمات صحتی به کودکان و مادران با جدیت کار صورت می گرفت. به طور مثال، یکی از شاخصه هایی که سازمان صحتی جهان در کشورها، عرضه خدمات صحتی را با آن محاسبه می کند، توقع حیاتی (Life Expectancy) است. با شواهد علمی می گویم که در سال ۲۰۰۰ در افغانستان، سطح عمر متوسط ۵۵ سال بود. با عرضه خدمات صحتی و دسترسی بهتر مردم به آن، میزان توقع حیاتی در سال ۲۰۱۹ به ۶۳ سال رسیده بود. آگاهی مردم نسبت به صحت و مجموعه از عوامل افزایش یافته و این باعث می شود توقع حیاتی بلند برود. اما به هر میزانی که توقع حیاتی بالا می رود، امراض به سن بالا نیز پیدا می شود، مثل امراض قلبی و سرطان ها. این ها را در طبابت امراض غیرساری یاد می کنند که در نزد افراد سن بالا بیشتر مشاهده می شود.

**۸صبح:** در نخستین روزهای فروپاشی نظام جمهوری، سازمان صحتی جهان اعلام کرد که در کنار سایر بحران ها، افغانستان با بحران صحتی هم دست و پنجه نرم می کند. به تازه گی روزنامه واشنگتن پست در یک گزارش تحقیقی نگاشته است که تعداد بیماران در هزاران مرکز صحتی تحت حمایت صندوق وجهی ملل متحد برای کودکان (یونیسف) حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش یافته و در برخی از مراکز تقریبا دو برابر شده است. شما به عنوان کسی که تجربه کافی در مدیریت نظام صحتی کشور دارید، آیا این نگرانی حالا هم وجود دارد؟

**دلیل:** بلی. وضعیت خدمات صحتی خوب نیست. وضعیت صحتی حال هم بحرانی است. خدمات صحتی تافته جدا بافته از سایر آن چه در افغانستان اتفاق می افتد، نیست. میزان فقر بالا رفته است. حدود ۲۸ میلیون تن به کمک های بشردوستانه

## جاپان ۱۰ میلیون دالر به آموزش کودکان در افغانستان کمک کرد

صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد در بیانیه ای گفته که در حال حاضر ۶۰ درصد از دختران و ۴۶ درصد از پسران مکاتب ابتدایی در افغانستان از آموزش بازمانده اند.

**۸صبح، کابل:** صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) گفته که دولت جاپان ۱۰ میلیون دالر به افغانستان کمک کرده است. یونیسف روز جمعه، ۷ جولای، اعلام کرده که این کمک از طریق آژانس همکاری بین المللی جاپان (JICA) انجام شده است. قرار است این کمک در زمینه آموزش کودکان مصرف شود و زمینه را برای آموزش ۷۱ هزار و ۵۰۰ کودک در کشور فراهم کند.

صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد در بیانیه ای گفته که در حال حاضر ۶۰ درصد از دختران و ۴۶ درصد از پسران مکاتب ابتدایی در افغانستان از آموزش بازمانده اند.

به گفته این سازمان، حتی وقتی دانش آموزان به مکتب نیز می روند، آنان همیشه آموزش نمی بینند، زیرا ده ها جنگ مکاتب را مکان های ناامن برای دانش آموزان ساخته و بیشتر مکاتب دولتی از زیرساخت های قوی، معلمان واجد شرایط و امکانات بهداشتی برخوردار نیستند.

این کمک از سوی دولت جاپان، یونیسف را قادر می سازد تا محیط های آموزشی برای ۵۵ هزار کودک در مکاتب دولتی در مناطق مرکزی و شرقی افغانستان را فراهم کند.

یونیسف با این کمک صنف های درسی در مکاتب این ولایات را بازسازی و به آنان وسایل شست و شو فراهم می کند.

افزون بر این، قرار است با این مبلغ، ۱۶ هزار و ۵۰۰ کودک تا دو سال آینده به آموزش ادامه دهند و ۹۹۰ معلم زن نیز آموزش ببینند.

جاپان یکی از معدود کشورهایی است که پیش و پس از تسلط طالبان در زمینه آموزش به افغانستان کمک کرده است.

تا کاشی اوکادا، سفیر جاپان در کابل، روز گذشته گفته که کشورش به کمک به افغانستان ادامه می دهد.

این کشور چهار روز پیش از اعطای ده ها بورسیه به دانشجویان افغان در مقاطع مختلف نیز خبر داد.



**Publisher:**  
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

**Editor-in-Chief:**  
Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media  
Youtube.com/Hashtesubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.media\_official  
www.8am.media

**صبح**  
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل  
مدیرمسول: محمد محق  
سر دبیر: حسین بهش  
تحلیل گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی  
دبیر گزارش ها: فهیم امین  
دبیر تولید: محمد نوید جويا

خبرنگار ارشد: امین کاوه  
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران  
صفحه آرایی: رضا مرادی  
پذیرش مقالات: Info@8am.media  
پذیرش اعلان: Shaparsepahr@gmail.com ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹  
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، کابل، افغانستان  
۸صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.

عبدالناصر همتی، رییس پیشین بانک مرکزی ایران می‌گوید که صادرات برق و گاز این کشور به عراق با مجوز ایالات متحده انجام می‌شود. همتی این اظهارات را روز پنج‌شنبه، ۱۵ سرطان، در کانال تلگرامش نگاشته است. او نسبت به روند آزادسازی پول‌های منجمد شده این کشور در عراق انتقاد کرد و خطاب به مقام‌های جمهوری اسلامی ایران گفت: «چرا صادرات گاز و برق ایران به عراق را متوقف نکرده و چرا روش دیگری برای دریافت پول آن را انتخاب نکردند؟» به‌تازگی رویترز نیز به نقل از یک مقام عراقی از آزاد شدن ۲.۷۶ میلیارد دالر از دارایی‌های مسدودشده ایران از بابت صادرات برق و گاز به عراق خبر داده است. عراق بابت پرداخت این مبلغ از معافیت تحریمی آمریکا برخوردار شده است. ایران به‌دلیل تحریم‌های آمریکا میلیاردها دالر دارایی مسدودشده در کشورهای مختلف دارد.

# صلح سرد

<b>نویسنده:</b>	ملیحه لودی
<b>مترجم:</b>	علی سجاد مولایی
<b>منبع:</b>	دان

و احتمال درگیری آن‌ها می‌باشد که توسط مایکل دوپل، استاد دانشگاه کلمبیا، نوشته شده است. این کتاب مرور جامع از مسایل بسیاری که در پس‌زمینه تنش‌های شرق و غرب نهفته است، ارایه می‌کند. نویسنده تلاش می‌کند این موضوع را بررسی کند که آیا یک جنگ سرد جدید محتمل است و چه تفاوتی با جنگ سرد قبلی خواهد داشت.

مایکل دوپل به خطرات یک جنگ سرد در آینده اشاره دارد و استدلال می‌کند که این جنگ اجتناب‌ناپذیر نیست. در عوض، اگر مصالحه‌های کلیدی خاصی توسط قدرت‌های رقیب انجام شود که می‌تواند منجر به همکاری در زمینه‌های حیاتی شود، می‌توان «صلح سرد» برقرار کرد.

تمایزی که دوپل بین خطوط و شخصیت جنگ سرد قدیم و جدید قایل می‌شود، قابل تأمل است. او می‌نویسد که مانند جنگ سرد اصلی، جنگ سرد در حال ظهور یک درگیری عمیقاً ساختاریافته، هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح فراملی است. شباهت‌هایی وجود دارد. هر دو «درگیری‌های غیرمسلحانه» هستند که شامل رقابت‌هایی می‌شوند که فراتر از رقابت‌ها برای نفوذ، قدرت و رفاه هستند. اما او اذعان می‌کند، در حالی که جنگ سرد اول عمدتاً از طریق جنگ‌های نیابتی، رقابت‌های تسلیحاتی و جاسوسی انجام شد، رویارویی کنونی شامل ترکیبی از جاسوسی سایبری، رقابت فنی و صنعتی، مداخله سیاسی و رقابت‌های تسلیحاتی است.

او به‌طور قانع‌کننده‌ای اثبات می‌کند که جنگ سرد دوم در حال ظهور به اندازه سلف خود گسترده، افراطی و قطبی نیست. دامنه آن هنوز جهانی نیست و «طرفین کمتر مشخص هستند»، و اتحادهای چندان محکم هنوز شکل نگرفته یا از نظر ایدئولوژیک تعریف نشده‌اند. اما سلاح‌سازی فناوری‌های سایبری این رویارویی را به یک رویارویی مرگبار تبدیل می‌کند. دوپل سه دلیل ارایه می‌دهد که چرا جنگ سرد جدی هرچند خطرناک است، اما تکرار جنگ سرد اول نخواهد بود. اول، هزینه‌های احتمالی تشدید جنگ سرد بین ایالات متحده و چین. دوم، منافع مشترک بزرگ جهانی در رفاه وابسته به یکدیگر و نجات سیاره از تخریب محیط زیست. و سوم، او چین و روسیه را اقتدارگرا می‌بیند نه توتالیتزر.

دغدغه اصلی کتاب این است که چگونه از جنگ سرد دوم جلوگیری کنیم. دوپل آنچه را که می‌بیند به‌عنوان چهار پل برای رسیدن به این هدف شناسایی می‌کند. اولین مورد به همکاری ایالات متحده و چین در چالش مشترک کاهش تغییرات آب‌وهوایی مربوط می‌شود. دوم، یافتن پایانی برای درگیری روسیه و اوکراین از طریق مذاکره است. او بسته‌ای از پیشنهادات را در این مورد ارایه می‌دهد که برخی قابل اجرا و برخی غیرواقعی هستند. پل سوم تنش‌زدایی بین آمریکا و چین است. در این‌جا نیز ایده‌هایی برای مصالحه در

## زلنسکی برای گرفتن تضمین حمایت از پیوستن اوکراین به ناتو به بلغارستان و چک سفر کرد

ولادیمیر زلنسکی، رییس‌جمهور اوکراین به کشورهای بلغارستان و جمهوری چک رفته و با رهبران آن کشورها گفت‌وگو کرده است.

خبرگزاری اسوشتید پرس، هدف از سفر روز پنج‌شنبه، ۶ جولای، زلنسکی را درخواست کمک‌های نظامی و گرفتن تضمین حمایت از پیوستن اوکراین به ناتو پس از پایان جنگ در این کشور عنوان کرده است.

زلنسکی پس از گفت‌وگو با رهبران این دو کشور به خبرنگاران گفت: «اشغالگران به سرزمین ما آمدند، کودکان اوکراینی را کشتند، شکنجه کردند، ربودند. آن‌ها را از خانواده های‌شان جدا کردند و سعی کردند به آن‌ها نفرت بیاموزند. این در زمانی اتفاق می‌افتد که ما باید متحد باشیم و نظم بین‌المللی بر اساس قوانین ایجاد کنیم.»

زلنسکی اضافه کرد: «من باور دارم که اوکراین بخشی از ناتو خواهد بود.»

پتر پاول، رییس‌جمهور چک نیز گفته که به نفع کشورش و اوکراین است که به محض پایان جنگ، مذاکرات درباره عضویت در ناتو آغاز شود.

درهمین حال، نیکلای دنکوف، نخست‌وزیر بلغارستان افزود: «بلغارستان در حمایت از حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین ثابت قدم است، زیرا ما متقاعد شده‌ایم که اوکراین مستقل و کلید امنیت یورو آتلانتیک در منطقه است.»

وی اضافه کرد: «روسیه باید بدون قید و شرط از داخل مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی خود عقب‌نشینی کند و مسوولیت خود را بر عهده بگیرد.»

گفتنی است که پس از حمله روسیه بر اوکراین در سال گذشته میلادی، رییس‌جمهور اوکراین از ایتلاف نظامی به رهبری آمریکا خواست تا این کشور را منحیث عضو ناتو بپذیرد، اما این درخواست تا کنون از سوی ایالات متحده پذیرفته نشده است.

با این حال، ولادیمیر زلنسکی، رییس‌جمهور اوکراین به رهبران کشورهای اروپایی هشدار داده است که هرگونه تردید در مورد پیوستن کشورش به ناتو، روسیه را برای حمله به کشورهای دیگر تشویق خواهد کرد.

### سرنوشت میهم رهبر گروه واگنر؛

### لوکاشینکو: پریگوژین

### در بلاروس نیست

یوگنی پریگوژین، که با پادرمیانی الکساندر لوکاشنکو، رییس‌جمهور بلاروس از تنش در مسکو دست کشید و راهی بلاروس شد، با گذشت بیش از یک هفته اکنون لوکاشنکو گفته است که رهبر گروه واگنر در این کشور نیست. به گزارش رویترز، رییس‌جمهور بلاروس این اظهارات را روز پنج‌شنبه، ۶ جولای بیان کرده است. لوکاشنکو به خبرنگاران گفت: «او در سن‌پترزبورگ روسیه است. او در قلمرو بلاروس نیست.»

براساس گزارش‌ها، یک هواپیمای تجاری مرتبط با پریگوژین دیروز از سن‌پترزبورگ وارد مسکو شده، اما در مورد این‌که رهبر واگنر در این هواپیما بوده یا خیر، اطلاعات منتشر نشده است.

مقام‌های روسیه تا کنون در این مورد ابرازنظری نکرده‌اند. رییس‌جهو بلاروس در اواخر ماه جون گفته بود، پریگوژین که نیروهای آن یک شهر جنوبی روسیه را تصرف و قصد وارد شدن به مسکو، پایتخت این کشور را داشتند، به اساس یک توافق از شورش دست کشید و وارد بلاروس شد.

«**صلح سرد: اجتناب از جنگ**

**سرد جدید» تازه‌ترین کتاب در**

**مورد روابط بحرانی چین و ایالات**

**متحده و احتمال درگیری آن‌ها**

**می‌باشد که توسط مایکل دوپل،**

**استاد دانشگاه کلمبیا، نوشته**

**شده است. این کتاب مرور**

**جامع از مسایل بسیاری که در**

**پس‌زمینه تنش‌های شرق و غرب**

**نهفته است، ارایه می‌کند.**

مورد تایوان ارایه شده است. چهارمین پل برای «صلح سرد» ایجاد قوانین جدید در فضای مجازی است. او ضمن اذعان به تضاد منافع و جاه‌طلبی‌ها، استدلال می‌کند که مصالحه برای محدود کردن پیامدهای مضر هک و جنگ سایبری امکان‌پذیر است.

از نظر دوپل، سازش دیپلماتیک برای دستیابی به یک صلح سرد شامل یک «پیمان عدم براندازی» است که بر تعهدات متقابل برای حمله نکردن به استقلال سیاسی و تمامیت ارضی یکدیگر استوار است. این همچنین به‌معنای جلوگیری از عملیات مخفی است. این کتاب «راه‌حل‌های» جالبی برای بسیاری از مسایل نگران‌کننده دارد که جهان را به سمت آشفته‌گی و بی‌ثباتی بیشتر سوق می‌دهد. اما همان‌طور که دیگران نیز نقد کرده‌اند، دوپل بر نقش عوامل داخلی و ایدئولوژی به‌عنوان محرک‌های جنگ سرد جدید بیش از حد تاکید کرده است.

دوپل به‌وضوح طرفدار تعامل بیشتر بین ایالات متحده و چین است و با سایر نویسنده‌گان و کارشناسان در مورد خطر برخورد بین آن‌ها موافق است. راد از «همکاری راهبردی مدیریت شده» سخن می‌گوید، محبوبانی برای جست‌وجوی مناطق همگرایی براساس منافع اصلی دو قدرت تاکید می‌کند و لتوین خواستار «رقابت مسالمت‌آمیز» بین دو قدرت جهانی است.

یکی از تاثیرگذارترین کتاب‌ها در این زمینه که در سال ۲۰۱۷ نشر شد، کتاب «جنگ محتوم: آیا آمریکا و چین می‌توانند از دام توسیدید فرار کنند؟» اثر گراهام آلیسون، محقق دانشگاه هاروارد است.

در این کتاب، آلیسون با وام گرفتن از توسیدید، مورخ یونان باستان، به تله مرگباری اشاره می‌کند که وقتی یک قدرت بزرگ به چالش کشیده می‌شود یا تلاشی برای جابه‌جایی آن صورت می‌گیرد، پدیدار می‌شود. توسیدید می‌گوید، زمانی که یک قدرت جدید در حال ظهور است و قدرت هژمون مستقر را به چالش می‌کشد؛ در چنین وضعیتی جنگ گریزناپذیر است. توصیه آلیسون برای اجتناب از تله توسیدید در کتاب دوپل و در هشدار هنری کسینجر مبنی بر این‌که هرگونه انحراف به سمت درگیری عواقب فاجعه‌باری خواهد داشت نیز دیده می‌شود. وقتی کسینجر می‌گوید که سرنوشت جهان بسته‌گی به این دارد که ایالات متحده آمریکا و چین چگونه می‌توانند با هم کنار بیایند، اغراق نمی‌کند.

<sup>[1]</sup> ملیحه لودی سفیر اسبق پاکستان در ایالات متحده آمریکا، انگلستان و سازمان ملل می‌باشد